

مجموعه‌ای از نصوص مبارکه و  
دستخط‌هایی از طرف بیت العدل اعظم

درباره

✽ ولایت امر الله و بیت العدل اعظم ✽

چاپ و توزیع توسط سایت عهد و میثاق  
این مجموعه را می توان در [www.ahdvamisagh.org](http://www.ahdvamisagh.org) مشاهده و دان لود نمود.

(بازبینی: ۲۴ تیر ۱۳۸۸)

## فهرست

- آثار حضرت بهاء الله ..... ۴
- آثار حضرت عبدالبهاء ..... ۶
- بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء ..... ۱۰
- آثار حضرت ولی امرالله ..... ۱۱
- از قانون اساسی بیت العدل اعظم ..... ۲۱
- دستخط‌های بیت العدل اعظم ..... ۲۲
- ترجمه ای از سند ولایت امرالله و بیت العدل اعظم دو جانشین لاینفک حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء ..... ۴۲
- قسمتی از نامه مورخ ۲۰ می ۲۰۰۷ دارالانشاء بیت العدل اعظم در مورد مصونیت بیت العدل اعظم ..... ۵۶
- مراجع ..... ۵۸

## آثار حضرت بهاء الله

۱. قَدْ رَجَعَتِ الْاَوْقَافِ الْمَخْتَصَّةُ لِلْخَيْرَاتِ اِلَى اللَّهِ مُظْهَرِ الْآيَاتِ لَيْسَ لِاحِدٍ اَنْ يَتَصَرَّفَ فِيهَا اِلَّا بَعْدَ اِذْنِ مَطْلَعِ الْوَحْيِ وَمِنْ بَعْدِهِ يَرْجِعُ الْحُكْمُ اِلَى الْاَغْصَانِ وَمِنْ بَعْدِهِمْ اِلَى بَيْتِ الْعَدْلِ اِنْ تَحَقَّقَ اَمْرُهُ فِي الْبِلَادِ لِيَصْرِفُوهَا فِي الْبِقَاعِ الْمَرْتَفِعَةِ فِي هَذَا الْاَمْرِ وَفِيهَا اُمُرُوا بِهِ مِنْ لَدُنْ مَقْتَدِرٍ قَدِيرٍ وَ اَلَّا تُرْجَعَ اِلَى اَهْلِ الْبِهَاءِ الَّذِيْنَ لَا يَتَكَلَّمُونَ اِلَّا بَعْدَ اِذْنِهِ وَلَا يَحْكُمُونَ اِلَّا بِمَا حَكَّمَ اللَّهُ فِي هَذَا اللَّوْحِ اَوْلِيَاءُ النَّصْرَبِيِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِيْنَ لِيَصْرِفُوهَا فِيْمَا حُدِّدَ فِي الْكِتَابِ مِنْ لَدُنْ عَزِيْزٍ كَرِيْمٍ. (كتاب اقدس، بند ۴۲)
۲. يَا رِجَالَ الْعَدْلِ كُونُوا رِعَاةَ اَغْنَامِ اللَّهِ فِي مَمْلَكَتِهِ وَ احْفَظُوهُمْ عَنِ الدَّنَابِ الَّذِيْنَ ظَهَرُوا بِالْاَثْوَابِ كَمَا تَحْفَظُونَ اِبْنَائِكُمْ كَذَلِكَ يَنْصَحُكُمْ النَّاصِحُ الْاَمِيْنُ. (كتاب اقدس، بند ۵۲)
۳. اُمُوْرٌ مَلَّتْ مَعْلُوقٌ اَسْتَبَهَ رِجَالَ بَيْتِ عَدْلِ الْهَيْ، اَيْشَانْدَ اَمْنَاءِ اللَّهِ بَيْنَ عِبَادِهِ وَ مَطَالَعِ الْاَمْرِ فِي بِلَادِهِ يَا حِزْبَ اللَّهِ مَرَبِّيْ عَالَمِ عَدْلِ اَسْتَبَهَ، چِهْ كِهْ دَارَايِ دُوْرِكْنِ اَسْتَبَهَ، مِجَازَاتِ وَ مِكَافَاتِ وَ اَيْنِ دُوْرِكْنِ دُوْ چِشْمِهْ اَنْدِ اَزْ بَرَايِ حَيَاتِ اَهْلِ عَالَمِ. چُونِ كِهْ هِرْ رُوْزِ رَا اَمْرِيْ وَ هِرْ حِيْنِ رَا حَكْمِيْ مَقْتَضِيْ، لَذَا اُمُوْرُ بِهْ وَ زَرَايِ بَيْتِ عَدْلِ رَاجِعِ تَا اَنْچِهْ رَا كِهْ مِصْلَحَتِ وَ قِتِ دَانَنْدِ مَعْمُوْلِ دَارَنْدِ. نَفُوْسِيْ كِهْ لُوْجِهْ اَللَّهُ بَرِ خِدْمَتِ اَمْرِ قِيَامِ نَمَايَنْدِ اَيْشَانَ مُلْهَمَنْدِ بِهْ اَلْهَامَاتِ غَيْبِيِ الْهَيْ؛ بَرِ كَلِّ اطَاعَتِ لَازِمِ. اُمُوْرِ سِيَّاسِيَّهْ، كَلِّ رَاجِعِ اَسْتَبَهَ بِهْ بَيْتِ الْعَدْلِ وَ عِبَادَاتِ بِمَا اَنْزَلَهُ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ. (بِشَارَتِ سِيْزْدَهْمِ اَزْ لَوْحِ بِشَارَاتِ، مِجْمُوْعِهْ الْوَاْحِ طَبْعِ مِصْرَ، ص ۱۲۲)
۴. اَنْچِهْ اَزْ حُدُوْدَاتِ دَرِ كِتَابِ بَرِ حَسْبِ ظَاهَرِ نَازِلِ نَشْدِهْ بَايْدِ اَمْنَايِ بَيْتِ عَدْلِ مَشُوْرَتِ نَمَايَنْدِ اَنْچِهْ رَا پَسَنْدِيْدَنْدِ مِجْرِيْ دَارَنْدِ اِنَّهُ يَلْهَمُهُمْ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْمُدَبِّرُ الْعَلِيْمُ. (وَرَقِ هَشْتَمِ اَزْ فَرْدُوْسِ اَعْلَى، مِجْمُوْعِهْ اَشْرَاقَاتِ، ص ۱۲۳)
۵. رِجَالَ بَيْتِ عَدْلِ رَا وَصِيَّتِ مِيْ نَمَائِيْمِ وَ بِهْ صِيَانَتِ وَ حَفِظِ عِبَادِ وَ اِمَاءِ وَ اَطْفَالِ اَمْرِ مِيْ فَرْمَائِيْمِ. بَايْدِ دَرِ جَمِيْعِ اِحْوَالِ بِهْ مِصَالِحِ عِبَادِ نَاطِرِ بَاشَنْدِ. طُوْبِيْ لِاُمِيْرٍ اَخَذَ يَدَ الْاَسِيْرِ وَ لَغْنِيْ تَوَجَّهَ اِلَى الْفَقِيْرِ وَ لِعَادِلٍ اَخَذَ حَقَّ الْمَظْلُوْمِ وَ لِاَمِيْنٍ عَمَلِ مَا اَمْرٌ بِهْ مِنْ لَدُنْ اَمْرِ قَدِيْمِ. (وَرَقِ نَهْمِ اَزْ فَرْدُوْسِ اَعْلَى، مِجْمُوْعِهْ اَشْرَاقَاتِ، ص ۱۲۴)
۶. اَوَّلِ بَايْدِ وَ زَرَايِ بَيْتِ عَدْلِ صِلْحِ اَكْبَرِ رَا اَجْرَا نَمَايَنْدِ تَا عَالَمِ اَزْ مِصَارِيْفِ بَاهِظِهْ فَارِغِ وَ اَزَّادِ شُوْدِ. اَيْنِ فَقْرُهْ لَازِمِ وَ وَاَجِبِ چِهْ كِهْ مِحَارِبِهْ وَ مِجَادَلِهْ اَسَّ زَحْمَتِ وَ مَشَقَّتِ اَسْتَبَهَ. (لَوْحِ دُنْيَا، مِجْمُوْعِهْ الْوَاْحِ مَبَارَكِهْ طَبْعِ مِصْرَ، ص ۲۹۲)

۷. در اصول احکام که از قبل در کتاب اقدس و سایر الواح نازل امور راجع به سلاطین و رؤسای عادل و أمنای بیت عدل شده و منصفین و متبصرین بعد از تفکر اشراق نیر عدل را به عین ظاهر و باطن در آنچه ذکر شده مشاهده نمایند. (لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۹۶)
۸. محض فضل و رحمت، مخصوص امرا و وزرای ارض مرقوم داشتیم آنچه را که سبب حفظ و حراست و امن و امان است که شاید عباد از شر ظالمین محفوظ مانند *إِنَّهُ هُوَ الْحَافِظُ النَّاصِرُ الْأَمِينُ*. رجال بیت عدل الهی باید در لیالی و ایام به آنچه از سماء قلم اعلی در تربیت عباد و تعمیر بلاد و حفظ نفوس و صیانت ناموس اشراق نموده ناظر باشند. (لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۷۶)
۹. دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قَدَم نازل گشته و ظاهر شده آن را علت اختلاف و نفاق مکنید. سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و اشراق نیر اتحاد دین الهی و شریعه ربّانی بوده و نمو عالم و تربیت امم و اطمینان عباد و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی. اوست سبب اعظم از برای این عطیه کبری؛ کأس زندگانی بخشد و حیات باقیه عطا فرماید و نعمت سرمدیه مبذول دارد. رؤسای ارض مخصوص أمنای بیت عدل الهی در صیانت این مقام و علو و حفظ آن جهد بلیغ مبذول دارند و همچنین آن چه لازم است تفحص در احوال رعیت و اطلاع بر اعمال امور هر حزبی از احزاب. از مظاهر قدرت الهی یعنی ملوک و رؤسا می طلبم که همت نمایند شاید اختلاف از میان برخیزد و آفاق به نور اتفاق منور شود. (اشراق نهم از لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۸۰)

## آثار حضرت عبدالبهاء

۱۰. زیرا عبدالبهاء در طوفان خطر است و از خوف اختلاف آراء در نهایت حذر... الحمدلله اسباب اختلافی نه. حضرت اعلیٰ صبح حقیقت روشن و تابنده بر جمیع ارجاء و مبشر نیر اعظم ابھی؛ و جمال مبارک موعود جمیع کتب و صحف و زبر و الواح و ظهور مجلیٰ طور در سدره سینا؛ و ما عدا کلّ بنده آن آستانیم و احقر پاسبان... مقصود اینست که قبل از اَلْف کسی سزاوار تکلم به حرفی نیست ولو مقام ولایت باشد. کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرّح. احکام غیر مذکوره راجع به قرار بیت العدل. دیگر اسباب اختلافی نه... زنهار زنهار مگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید. اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فوراً حل مشکل فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است، زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیت است و او را صیانت از خطا فرماید و در ظلّ جناح عفت و عصمت خویش محفوظ نماید. هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود.

و بیت عدل اعظم به ترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملت در اروپا انتخاب می شود انتخاب گردد و چون ممالک مهتدی شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید. در هر زمان که جمیع احبّاء در هر دیار و کلّائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند، آن بیت العدل اعظم است و الاّ تأسیسش مشروط به ایمان جمیع ممالک نه. مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فساد نداشت احبّای ایران و کلّائی انتخاب می نمودند و احبّای امریک و هند و سائر جهات نیز و کلّائی انتخاب می نمودند و آنان بیت العدلی انتخاب می نمودند، آن بیت العدل اعظم بود؛ والسّلام. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، صص ۵۰۱-۵۰۰)

۱۱. مسائل کلّیه که اساس شریعت است منصوص است ولی متفرّعات راجع به بیت عدل و حکمت این است که زمان بریک منوال نماند؛ تغیر و تبدل از خصائص و لوازم امکان و زمان و مکان است. لهذا بیت العدل به مقتضای آن اجرا می نماید و همچه ملاحظه نشود که بیت العدل به فکر و رأی خویش قراری دهد. استغفرالله. بیت العدل به الهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید؛ زیرا تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتّباعش فرض مسلّم و واجب متحتّم است؛ ابداً مفرّی از برای نفسی نه.<sup>۲</sup>

قُلْ يَا قَوْمِ اِنَّ بَيْتَ الْعَدْلِ الْاَعْظَمَ تَحْتَ جَنَاحِ رَبِّكُمْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَى صُونَهُ وَ حِمَايَتَهُ وَ حَفْظَهُ وَ كَلَائِئِهِ لِاَنَّهُ اَمْرَ الْمُؤْمِنِينَ بِاطَاعَةِ تِلْكَ الْعَصْبَةِ الطَّيِّبَةِ الطَّاهِرَةِ وَ الثَّلَاةِ الْمُقَدَّسَةِ الْقَاهِرَةِ فَسُلْطَتِهَا مُلْكُوْتِيَّةٌ رَحْمَانِيَّةٌ وَ اِحْكَامُهَا الْهَامِيَّةُ رُوْحَانِيَّةٌ.

باری مقصد و حکمت ارجاع احکام مدنیّه به بیت عدل اینست و در شریعت فرقان نیز جمیع احکام منصوص نبوده بلکه عشر عشر معشار منصوص نه؛ اگر چه کلیه مسائل مهمّه مذکور، ولی البته یک کرور احکام، غیر مذکور بود و مجری میشد. حال استنباط راجع به هیأت بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه، مگر آن که در تحت تصدیق بیت العدل در آید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلم عموم ملّت است، اختلاف حاصل نمی گردد؛ ولی از استنباط افراد علما حکماً اختلاف شود و باعث تفریق و تشتت و تبعیض گردد و وحدت کلمه و اتّحاد دین الله مضمحل شود و بنیان شریعت الله متزلزل گردد. " (رحیق مختوم، ج ۱، ص ۳۰۲)

۱۲. خلاصه کلام این است که قبل از اَلْفِ نَفْسِي نَفْسِي نتواند زد؛ باید در سَلِكِ رَعِيْتِ باشد و خاضع و خاشع اوامر الهی و احکام بیت العدل؛ آگراز حکم بیت العدل عمومی مقدر رأس اِیْرِهِ تجاوز نماید، یا در اطاعت توقّف کند، مردود و مطرود است. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۶۵)

۱۳. و اما بیت العدل بنصوص قاطعه فی شریعه الله اختصّ بالرجال حکمه من عند الله و سیظهر هذه الحکمة کظهور الشمس فی رابعة النهار. (همان مأخذ، ص ۷۷ / من مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۳۰)

۱۴. الحمد لله در امر مبارک جمیع این ابواب (ابواب مخالفت و اختلاف) مسدود است؛ زیرا مرجع منصوص تعیین شده است که آن مرجع منصوص حلال جمیع مشکلات است و دافع جمیع اختلاف است و همچنین بیت عدل عمومی دافع جمیع اختلاف است؛ آنچه بیت عدل بگوید قبول و هر نفسی مخالف نماید مردود. ولی هنوز بیت عدل عمومی که شارع است تأسیس نشده است. دیگر راه اختلافی نمانده ولی هواجس نفسانی مورث اختلاف می شود مثل ناقضین. ناقضین شبههئی در میثاق ندارند ولی غرض نفسانی آنان را به این درجه رسانده. نه این است که نمی دانند؛ می دانند و مخالفت می کنند. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۲۱۰ / من مکاتیب عبدالبهاء ص ۲۴۳)<sup>۳</sup>

۱۵. فرع مقدّس و ولی امر الله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداء است. آنچه قرار دهند من عند الله است. مَنْ خَالَفَهُ وَ خَالَفَهُمْ فَقَدْ خَالَفَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ عَارَضَهُ فَقَدْ عَارَضَ اللَّهَ وَ مَنْ نَارَعَهُمْ فَقَدْ نَارَعَ اللَّهَ وَ مَنْ جَادَلَهُ فَقَدْ جَادَلَ اللَّهَ وَ مَنْ جَحَدَهُ فَقَدْ جَحَدَ اللَّهَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ فَقَدْ

أَنْكَرَ اللَّهُ وَمَنْ أَنْحَازَ وَأَفْتَرَقَ وَأَعْتَزَلَ عَنْهُ فَقَدْ أَعْتَزَلَ وَأَجْتَنَبَ وَأَبْتَعَدَ عَنِ اللَّهِ عَلَيْهِ غَضَبُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَهْرُ اللَّهِ وَ عَلَيْهِ نَقْمَةُ اللَّهِ.

حصن متین امر الله به اطاعت مَنْ هُوَ وَلِيُّ امر الله محفوظ و مصون مانند و اعضای بیت عدل و جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله باید کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجّه و خضوع و خشوع را به ولی امر الله داشته باشند. (الواح وصایا، ایام تسعه، ص ۴۶۷)

۱۶. اما بیت عدل الّذی جعله الله مصدرَ کلِّ خَیْرٍ و مصوناً مِنْ کلِّ خطاءٍ باید به انتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضاء باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانایی و ثابت بر دین الهی و خیر خواه جمیع نوع انسانی باشند؛ و مقصد، بیت عدل عمومی است؛ یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نمایند. این مجمع مرجع کلّ امور است و مؤسس قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حلّ گردد و ولی امر الله رئیس مقدّس این مجلس و عضو اعظم ممتاز لاینزل؛ و اگر در اجتماعات باللذات حاضر نشود، نائب و وکیلی تعیین فرماید و اگر چنانچه عضوی از اعضاء گناهی ارتکاب نماید که در حقّ عموم ضرری حاصل شود، ولی امر الله صلاحیت اخراج او دارد و بعد ملّت شخص دیگر انتخاب نماید. این بیت عدل مصدر تشریح است و حکومت قوّه تنفیذ؛ تشریح باید مؤیّد تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و مُعین تشریح شود تا از ارتباط و التیام این دو قوّه بنیان عدل و انصاف متین و رزین گردد و اقالیم جنّه النّعم و بهشت برین شود. (همان مأخذ، ص ۴۷۰)

۱۷. اساس عقائد اهل بهاء روحی لَهُمُ الفداء: حضرت ربّ اعلی مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه و مبشّر جمال قدم، حضرت جمال ابهی روحی لاحبائه الثّابّین فداء مظهر کلیّه الهیه و مطلع حقیقت مقدّسه ربّانیه و مادون کُلّ عبادٌ لَهُ و کُلُّ بامرِهِ یعملون. مرجع کلّ کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باکثریّت آراء تحقّق یابد، همان حقّ و مراد الله است؛ مَنْ تَجَاوَزَ عَنْهُ فَهُوَ مِمَّنْ أَحَبَّ الشَّقَاقَ وَأَظْهَرَ النَّفَاقَ وَأَعْرَضَ عَنِ رَبِّ المِثَاقِ؛ ولی مراد بیت عدل عمومی است که از طرف جمیع بلاد انتخاب شود یعنی شرق و غرب، احبّاء که موجودند بقاعده انتخاب مصطلحه در بلاد غرب، نظیر انگلیس، اعضای انتخاب نمایند و آن اعضاء در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند و هر چه تقرّر یابد همان مانند نصّ است و چون بیت عدل واضح قوانین غیر منصوصه از معاملات است، نسخ آن مسائل نیز تواند بود؛ یعنی بیت عدل الیوم در مسئله ای قانونی نهد و معمول گردد، ولی بعد از صد سال حال عمومی تغییر کلی حاصل نماید، اختلاف اُزمان حصول یابد، بیت عدل ثانی تواند آن مسئله قانونیه را تبدیل به حسب



اقتضای زمان نماید؛ زیرا نصّ صریح الهی نیست؛ واضح بیت عدل، ناسخ نیز بیت عدل. (الواح وصایا، ایام تسعه، ص ۴۷۶)

۱۸. باید کُلّ اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداهما کُلّ مخالفٍ فی ضلال مبین و علیکمُ البهائمُ الأبهی. (همان، ص ۴۸۴)؛

## بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء

۱۹. ماحصل کلام این که عصمت ذاتیه، محصور در مظاهر کلیه و عصمت صفاتیه موهوب هر نفس مقدسه؛ مثلاً بیت العدل عمومی اگر به شرائط لازمه یعنی انتخاب جمیع ملت تشکیل شود آن عدل در تحت عصمت و حمایت حق است؛ آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل باتفاق آراء یا اکثریت در آن قراری دهد، آن قرار و حکم محفوظ از خطاست. حال، اعضای بیت عدل را فرداً فرداً عصمت ذاتی نه و لکن هیأت بیت عدل در تحت حمایت و عصمت حق است؛ این را عصمت موهوب نامند. (مفاوضات عبدالبهاء، ص ۱۳۰)

۲۰. حضرت بهاءالله بیت العدل را مقرر و تأسیس فرمودند و وظیفه ای سیاسی و دینی به آن محول کردند تا اتحاد را به اعلی درجه رساند و مذهب و سیاست را به هم ممزوج سازد. این مشروع تحت صیانت نفس حضرت بهاءالله است. يك بيت العدل عمومی یا بین المللی نیز تشکیل خواهد شد. احکام آن باید منطبق با اوامر و تعالیم حضرت بهاءالله باشد و هر آنچه بیت العدل مقرر کند جمیع نوع بشر باید اطاعت کنند. این بیت عدل بین المللی توسط بیوت عدل سراسر عالم منصوب و تشکیل می شود و تمام عالم در ظلّ اداره آن در خواهند آمد. (ترجمه خطابه حضرت عبدالبهاء مندرج در ص ۴۵۵ Promulgation of Universal peace)

## آثار حضرت ولی امرالله

۲۱. و اما آنچه راجع به ترتیب و تمشیت امور روحانیّه احبّا است همانا تقویت اساس محافل مقدّس روحانیست در تمام نقاط؛ چه که بر این اساس محکم متین در مستقبل ایام بیت عدل اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این بنیان اعظم بر این اساس اقوم مرتفع شود، نوایای مقدّسه الهیه و حکم و معانی کلیّه و رموز و حقائق ملکوتیه که در وصایای مبارکه الهامات غیبی حضرت بهاءالله ودیعه گذاشته، به تدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید. (از توفیق ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ خطاب به محفل مقدّس روحانی طهران، منتخبات توفیعات مبارکه، طبع ۱۰۵ بدیع، ص ۴۷)

۲۲. وقتی این محافل، اعمّ از محلی یا ملی، در نهایت انتظام، شور و حرارت در سراسر عالم بهائی تشکیل شود و فعالیت آن مؤثر باشد، تنها وسیله تاسیس بیت العدل اعظم تأمین گردد و فراهم آید؛ و زمانی که این معهد اعلی به نحو احسن و انسب تاسیس گردد، وضعیت کلی را مورد بررسی و امعان نظر مجدد قرار خواهد داد و اصولی را وضع خواهد کرد که، مادام که مصلحت بدانند، امور امریه را هدایت خواهد نمود. (ترجمه مکتوب ۱۲ مارس ۱۹۲۳ مندرج در ص ۴۱ Bahá'í Administration)

۲۳. مولای محبوب ما در الواح مبارکه وصایا از ما خواسته اند که نه تنها بدون هیچ قید و شرطی آن (نظم بدیع جهان آرای بهاءالله) را اختیار کنیم، بلکه مزایای آن را برای جمیع اهل عالم مشهود و معلوم سازیم. مساعی ما برای تخمین ارزش کامل و درک اهمّیت دقیق آن در مدّتی چنین کوتاه که از زمان ایجاد آن می گذرد، اقدامی بسیار زود هنگام و جسورانه خواهد بود. برای برخورداری از درکی واضح تر و کامل تر از شرایط و دلالات آن، باید به زمان و هدایات بیت العدل اعظم الهی اعتماد کنیم.... (ترجمه توفیق ۲۳ فوریه ۱۹۲۴ مندرج در ص ۶۲ Bahá'í Administration)

۲۴. مقصود از تأکیدات متتابعه شدیده در تقویت و نصرت محافل روحانیّه آن بود که اساس امرالله روزبه روز وسیع تر و محکم تر گردد و در نظام الهی خللی وارد نشود و روابطی متین و جدید در بین شرق و غرب ایجاد گردد و وحدت بهائی محفوظ ماند و در انظار اهل عالم جلوهئی بدیع کند تا بر اساس این محافل، بنیان عدل الهی استوار گردد و بر این بیوت عدل خصوصی قصر مشید بیت عدل عمومی از حیّز آمال به حیّز شهود و عمل قدم نهد و صیتش در کلّ اکناف و اقالیم مرتفع و مشتهر گردد؛ آن وقت این هیئت مجلله که بر اساس متین و رزین تمام ملت بهائی در شرق و غرب مستند و مؤسس است و از الهامات الهیه مستمد و مستفیض، به وضع و اجرای مشروعاتی متقنه و اقداماتی کلیه و تأسیساتی باهره پردازد و به این واسطه امر

الله صیتش جهانگیر و نورش عالم افروز شود. (توقیع مورخ ۱۹۲۴ خطاب به بهائیان شرق و غرب مندرج در صفحه ۱۰ منتخبات توقیعات مبارکه)

۲۵. این محافل روحانیّه اولاً محض اجرای این امور تأسیس گشته و ثانیاً مقصد آن تهیّه تمهیدات کامله متقنه از برای تأسیس بیت عدل عمومی الهیست که چون آن محور مرکزی اهل بهاء در نهایت جلال و اتقان استوار گردد، دوره جدیدی رخ بگشاید و نعماء و الطاف سماویه از آن منهدر گردد و وعود کلیه جلوه نماید. (توقیع ۳۰ اکتبر ۱۹۲۳ خطاب به محفل روحانی طهران، مندرج در صفحه ۶۲ منتخبات توقیعات مبارکه)

۲۶. و اما درباره روشی که برای انتخاب محافل روحانیّه ملیّه باید اتخاذ نمود، بدیهی است که در متن وصیت نامه مولای محبوب ما هیچ اشاره ای به نحوه انتخاب این محافل نشده است. اما در یکی از اولین الواح مبارک خطاب به یکی از احبّای ایران بیان صریح زیر مسطور و موجود:

در هر زمان که جمیع احبّاء در هر دیار و کلائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم است.<sup>۵</sup>

این بیان مبارک به وضوح مشخص می سازد که حضرت عبدالبهاء برای تشکیل بیت العدل انتخابات سه درجه ای را در نظر گرفته اند و همانطور که بالصّراحه در الواح مبارکه وصایا مذکور، "آن بیوت عدل (خصوصی)" بیت عدل عمومی انتخاب نماید<sup>۶</sup> واضح است که اعضا محافل روحانی ملی باید به طور غیر مستقیم توسط احبّاء در ایالات مربوطه خود انتخاب شوند. با توجه به این هدايات تکمیلی، اصلی که در مکتوب مورخ ۱۲ مارس ۱۹۲۳ این عبد تعیین شده مستلزم آن است که احبّای الهی در هر يك از ممالك تعداد معینی از وکلاء را انتخاب کنند که آنها نیز به نوبه خود نمایندگان ملی خویش (یعنی بیت عدل خصوصی یا محفل روحانی ملی) را انتخاب خواهند کرد. امتیاز و وظیفه مقدّس آنها در زمان معین، انتخاب بیت العدل اعظم الهی خواهد بود. (ترجمه توقیع ۱۲ می ۱۹۲۴ در صفحه ۸۴ Bahá'í Administration)

۲۷. باید یادآور شد که در کتاب اقدس، بیت العدل محلی و بیت العدل عمومی تشریح گشته و در الواح وصایا محافل روحانی ملی به نام بیت العدل خصوصی تسمیه شده است؛ و این محفل روحانی ملی را حضرت عبدالبهاء بعنوان حلقه اتصال و هیئت رابط بین بیوت عدل محلی و بیت العدل عمومی بوجود آورده اند. بعلاوه، طریق انتخابات بیوت عدل عمومی و خصوصی نیز در الواح وصایا و بعضی دیگر از الواح آن حضرت تبیین گردیده است. همچنین حضرت عبدالبهاء مشروعات صندوقهای محلی و ملی را که حال از ملحقات محافل روحانی محلی و ملی است، مکرراً، هم در الواح خطاب بیاران شرق و نیز در آثار و بیانات سائره، تأسیس فرمودند. بعلاوه، آن حضرت در الواح متعدده اش بکمال وضوح و

صراحت مطالبی چند را دربارهٔ تشکیلات بهائی ذکر فرموده است؛ از قبیل سپردن زمام جامعهٔ بهائی به دست امناء منتخبهٔ محفل، لزوم اطاعت افراد جامعهٔ بهائی از رأی محفل، ترجیح اتفاق آراء بر اکثریت آراء در مصوبات محفل، قاطع بودن رأی اکثریت، لزوم نظارت بر نشریات بهائی. این مطالب همه در الواح متعددی که در اقطار عالم منتشر است صریحاً مذکور است. پس اگر کسی فقط تعالی انسانی و اجتماعی آن حضرت را بپذیرد، ولی از فرائض دیگری که تعیین فرموده چشم بپوشد و به آنها اعتنائی ننماید، نسبت به منویات مقدسهٔ آن حضرت خیانت ورزیده است.

حضرت عبدالبهاء مکرراً تأیید فرموده اند که محافل روحانی امروز با بیوت عدل آینده هر دو یکی است و تفاوتی با هم ندارند. حتی در لوحی خطاب به اعضاء اولین محفل روحانی شیکاگو، یعنی اولین هیئت منتخبهٔ بهائی در آمریکا، آن محفل را بیت العدل شهر شیکاگو مخاطب ساخته اند و از این طریق با قلم مبارکش ثابت فرموده که محافل روحانی کنونی همان بیوت عدلی هستند که حضرت بهاءالله تأسیس فرموده اند و بدلائلی مشهود مقتضای حکمت چنان بوده است که هیئت امنای منتخبهٔ جامعه‌های بهائی در این زمان موقتاً به اسم محافل روحانی شهرت یابند. در آینده چون مقاصد و مقام امر بهائی بیشتر مفهوم و شناخته شود، آن هیئت‌ها به اسم اصلی یعنی بیت العدل نامیده خواهند شد. اما این محافل روحانی امروز فقط نامشان در آینده تغییر نمی یابد، بلکه اختیارات و مسئولیت‌های دیگری نیز که مناسب و مطابق با شناسایی بیشتر امر حضرت بهاءالله باشد بر وظائف کنونی آنها افزوده خواهد شد، زیرا در آن زمان آئین بهائی را فقط به عنوان یک نظام دینی نمی شناسند، بلکه به صورت دین رسمی یک کشور مستقل در خواهد آمد و چون دین بهائی در جمهور خلافت شرق و غرب نفوذ نماید و حقانیتش به قبول اکثریت مردم بعضی از کشورهای مستقل جهان در آید، آن وقت بیت العدل اعظم به ذروهٔ قدرت و سلطهٔ خود خواهد رسید و به عنوان اعلیٰ مقام ممالک متحدهٔ بهائی جمیع حقوق و وظائف و مسئولیت‌های متعلق به یک حکومت علیای جهانی را به عهده خواهد گرفت.

در اینجا باید متذکر شد که تأسیس بیت العدل اعظم هرگز مشروط بر این نبوده است که اول باید عامهٔ مردم جهان، حتی اکثریت جمعیت یک کشور، دین بهائی را بپذیرند. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح اولیهٔ خویش امکان تشکیل بیت العدل اعظم را در زمان حیات خویش بیان داشته اند و اگر اوضاع و احوال نامساعد حکومت عثمانی در آن زمان وجود نداشت، حضرت عبدالبهاء احتمالاً قدم‌های اولیهٔ را برای تأسیس بیت العدل اعظم برمی داشتند و حتی اگر محیط مساعدی به وجود می آمد که بهائیان ایران و کشورهای همجوار تحت تسلط روسیه می توانستند نمایندگان خود را طبق اصولی که حضرت عبدالبهاء معین فرموده اند انتخاب نمایند دیگر مانعی در تشکیل بیت العدل عمومی در میان نبود. زیرا وظیفهٔ محافل ملیهٔ شرق و غرب است که به موجب الواح وصایا مستقیماً اعضاء بیت العدل اعظم را

انتخاب نمایند و تا زمانی که اعضاء آن محافل قادر نباشند به عنوان نماینده کامل بهائیان کشور خود انجام وظیفه نمایند و نیز مادام که در خدمات خویش به هیکل امرالله تجربه و متانت و کمال لازم را نیافته باشند، البته قادر نخواهند بود که به آن وظیفه مقدس مباشرت ورزند و پایه ای روحانی را برای تشکیل چنان معهد اعلائی در جهان بهائی تدارک بینند.

و نیز هر يك از اهل بهاء باید بدانند که مؤسسه ولایت امرالله به هیچ وجه اختیاراتی را که حضرت بهاءالله در کتاب اقدس و حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا به بیت العدل اعظم تفویض فرموده‌اند سلب نمی نماید و به هیچ عنوان با مندرجات الواح وصایا و الواح حضرت بهاءالله تضادی را به وجود نمی آورد و هرگز دستورات منزله مبارکه اش را باطل نمی سازد؛ بلکه برعکس، مؤسسه ولایت امرالله بروقر و اعتبار بیت العدل اعظم می افزاید و بدون اینکه سرمویی به حریم حکومت و وظائفش که در نصوص مبارکه مصرح گشته تجاوز نماید مقام منیعش را ثبات می بخشد و وحدتش را حفظ می کند و مجهوداتش را مداومت می دهد. ما هنوز از لحاظ زمانی به این سند عظیم، یعنی الواح وصایا، بسیار نزدیکیم و از ادراک کامل مضامینش و از اطلاع بر اسرار مکنونه اش عاجز و ناتوان. فقط نسل های آینده می توانند بر قدر و منزلت این شاهکار الهی که دست قدرت مهندس اعظم عالم برای وحدت و نصرت امرجهانگیرش آفریده است فی الجمله وقوف یابند. فقط آیندگانند که قادرند ارزش تأکیدات شگفت انگیزی را که در این سند عظیم بر دو مؤسسه بیت العدل اعظم و مؤسسه ولایت امرالله نهاده شده، دریابند. (توقیع ۲۷ فوریه ۱۹۲۹، نظم جهانی بهائی، ص ۱۰)

۲۸. اعمده محافل مقدسه مرکزی اهل بهاء متدرجاً بر اساس اساس متین و رزین محافل محلّیه روحانیّه در هر کشوری ثابت و استوار گردد و بر این اعمده مجلله قصر مشید بیت العدل اعظمش مرتفع و منصوب شود و در قطب امکان سربرافزاد و وحدت جمع اهل بهاء را بر روی زمین، من اقصاها الی اقصاها، محقق و مجسم سازد. احکام منصوصه کتاب مستطاب اقدسش باحسن ما یمکن فی الابداع ترویج و تطبیق و تنفیذ یابد و از آن سرچشمه نظم الهی ماء حیوان که کافل حیات ابدیه و دافع شرور و مکاره عوالم ترابیه و شافی اسقام و علل مزمنه است بر تمام اقوام و ملل متباینه متباغضه جهان جاری و ساری گردد؛ سلطه ظاهره اسم اعظم زلزله به ارکان ممالک و بلدان اندازد و علمای رسوم از هر فرقه و در هر کشوری بعضی را مرعوب و متنبه و برخی را مخدول و متشتت و مقهور و معدوم سازد...

در این ایام آنچه از الزم لوازم محسوب و تقویت اساس امر الهی و ارتفاع شأن و منزلت آئین آسمانی و ترویج احکام شریعت بهائی به آن معلق و مشروط، دو امر خطیر است؛ اول، تسریع در تهیه موجبات تشکیل بیت العدل اعظم الهی؛ و ثانی، اتمام مشروع بناء مشرق الادکار امریک است. (توقیعات مبارکه، ج ۲، ص ۱۳۰)

۲۹. حينئذ يستقرّ عرش حكومة البهاء في ارض الميعاد وينصب ميزان العدل ويتموج علم الاستقلال وينشق حجاب السّتر عن وجه ناموسه الاعظم وتندفق انهر السنن والاحكام من بقعة المنورة البيضاء بغلبة و هيمنة لم ترشبهها القرون الاولون. اذاً يظهر مصداق ما نزل من لسان الكبرياء بأن "يا كرمل بشرى صهيون قولى أتى المكنون سلطان غلب العالم و بنور ساطع به أشرفت الارض و من عليها...يا كرمل طوبى لعبد طاف حولك و ذكر ظهورك و بروزك و ما فزت من فضل الله ربك...سوف تجرى سفينة الله عليك و يظهر اهل البهاء الذين ذكرهم في كتاب الاسماء."

...بها تستحكم دعائم الامر على وجه الغبراء، بها تظهر خفيّاته و تتجلى آثاره و تتموج راياته و تسطع أنواره على الخلائق اجمعين. (همان، ص ۱۳۳)

۳۰. بايد دانست كه حضرت بهاء الله فقط روحى جديد در كالبدي جان عالم امكان ندميده و فقط كلياتي را از اصول عمومى بيان نموده و فقط فلسفه مخصوصى را عرضه فرموده است، بلکه علاوه بر آنها حضرت بهاء الله و بعد از ايشان حضرت عبدالبهاء يك سلسله قوانينى را وضع و مؤسسات مشخصى را ايجاد کرده و آنچه را كه لازمه تأسيس يك مجتمع منظم الهى است بيان فرموده اند و چنين امرى در اديان گذشته هرگز سابقه نداشته است. به عبارت ديگر آن دو نفس مقدس براى تحقق نويايى عاليه اى كه موعود انبياى سلف و كانون الهام صاحب دلان و شاعران قرون پيشين بوده تنها به تعيين جهت و مسير كلي قناعت نورزیده بلکه با بيانى صريح و قاطع دو مؤسسه توأمان بيت العدل و ولايت امر الله را به عنوان جانشينان خویش معين فرموده اند كه وظائفشان عبارت است از اجراء اصول و ترويج حدود و محافظه مؤسسات و تطابق حكيمانه امر الله با مقتضيات زمان و تحقق ميراث مرغوب خلل ناپذير باني بنیان امر يزدان در عالم امكان. (نظم جهاني بهائي، ص ۲۵)

۳۱. عند ذلك تتحقق آمالنا و ثمر شجرة مجهوداتنا و تتمكن وصاياء محبوبنا و مولانا و تتجلى خفيّات امر ربنا و الهنا و تنكشف امام أعيننا أبصارنا فاتحة عصر لن ترشبهه القرون الأولون.... (توقيع ۱۲ سپتامبر ۱۹۳۲ خطاب به ابناء و اماء الرحمن ايران، منتخبات توقعات، ص ۱۱۳)

۳۲. احبّاي امريكا، مبشرين عصر ذهبي امر مبارك، اکنون در كمال لياقت و شايستگي جانشين برادران ايراني خود، كه در عصر رسولى امر الله تاج شهادت را از آن خود ساختند، مى شدند و به نوبه خود نخل نصرت و ظفر را كه به سختي حاصل شده بود، در دست داشتند. سابقه بي وقفه اقدامات درخشان آنها، بدون ادنى شائبه شك و ترديدى، سهم غالب و عمده آنها را در شكل بخشيدن به سرنوشت امرشان اينفا کرده بود. در جهاني كه از درد به خود مى پيچيد و به آشفتگي و هرج و مرج سقوط مى كرد، اين جامعه، طلايه قواي آزادي بخش حضرت بهاء الله، در سال هاي بعد از صعود حضرت عبدالبهاء، توانست تشكيلاتي كه

اقرانش در شرق و غرب تأسیس کرده بودند به اعلیٰ مراقی و مراتب ارتقاء بخشید و به آنچه که کاملاً رکن  
رکین بیت آتی را تشکیل می‌داد، بیتی که اخلاف به عنوان آخرین ملجأ و ملاذ مدنیّتی متزلزل و لرزان  
تلقی خواهند کرد، برساند. (ترجمه توفیق منبع امریکا و صلح اعظم، مندرج در صفحه ۸۹ The world order of  
(Bahauallah)

۳۳. در الواح حضرت بهاء الله که در آن اساس بیت عدل بین‌المللی و بیوت عدل محلی صریحاً معین و مقرر  
گشته است در مؤسسه ایادی امر الله که بدو حضرت بهاء الله و سپس حضرت عبدالبهاء آن را به وجود  
آوردند، در اساس محافل روحانی محلی و ملی که حتی قبل از صعود حضرت عبدالبهاء در مرحله جنینی  
خود به ایفای وظیفه مشغول بودند، در اختیاراتی که شارع آئین ما و مرکز میثاق در الواح خود به این  
محافل عنایت فرموده‌اند، در اساس صندوق خیریه محلی که اداره آن بر طبق دستورات مخصوص  
حضرت عبدالبهاء خطاب به پاره ای از محافل روحانی در ایران بوده است. در آیات کتاب مستطاب  
اقدس که در آن تلویحاً به اساس ولایت امر اخبار گشته درباره اصل توارث و تقدّم ولد ارشد که در جمیع  
شرایع گذشته معمول بوده است و حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح خود آن را تأیید می‌فرمایند، در  
جمیع این موارد آثار و علائم اولیّه این نظم اداری و جریان آن مشهود است که حضرت عبدالبهاء آن را  
بعداً در الواح وصایای خویش اعلام و برقرار فرمودند. (دور بهائی، ص ۷۹)

۳۴. چون این دو مؤسسه لا ینفصم متفقاً به اجرای وظائف پردازند، امور تمشیت پذیرد و اقدامات جامعه  
مرتبط گردد و مصالح امر الله ترویج یابد و قوانینش تنفیذ شود و تشکیلات تابعه اش حمایت گردد؛ هر يك  
منفرداً در حدود اختیارات معینه وظایف خود را انجام می‌دهد و دارای تشکیلات فرعیه ایست که برای  
اجرای شایسته وظائف و تکالیف آن مقرر گشته است و نیز قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات خود را  
در حدود مشخصه اعمال می‌نماید و قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات این دو مؤسسه هیچ يك با  
یکدیگر متناقض نیست و به هیچ وجه از مقام و اهمّیت دیگری نمی‌کاهد و گذشته از اینکه غیر متجانس و  
هادم اساس هم نیستند اختیارات و وظائفشان مکمل یکدیگر است و اساساً در مقاصد و نوایا همواره  
متحدند... چنانچه بیت عدل اعظم که اساساً اهمّیتش از ولایت امر کمتر نیست از آن منتزع گردد نظم  
بدیع حضرت بهاء الله از جریان بازمانده و دیگر نمی‌تواند حدود و احکام غیر منصوصه تشریعی و اداری امر  
الله را که شارع اعظم متعمداً در کتاب اقدس نازل فرموده تکمیل نماید. (دور بهائی، ص ۸۱)

۳۵. از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولی امر، مبین آیات الله و بیت عدل اعظم واضح احکام غیر  
منصوصه است. تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همان قدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین  
موضوعه بیت عدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بهاء الله است. هیچ  
يك از این دو نمی‌تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود.



هیچ يك در صدد تزییف سلطه و اختیارات مخصوصهٔ مسلمة دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است بر نخواهد آمد. هر چند ولی امر، رئیس لاینعزل این مجلس فحیم است، معهدا نمی تواند بنفسه حتی بطور موقت واضح قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت اعضای مجلس را الغاء نماید؛ ولیکن هرگاه تصمیمی را وجداناً مابین با روح آیات منزله تشخیص دهد، باید ابرام و تأکید در تجدید نظر آن نماید. (دور بهائی، ص ۸۵)

۳۶. نباید به هیچ وجه تصور رود که نظم اداری آئین حضرت بهاءالله مبتنی بر اساس ذیمقراطی صرف است؛ زیرا شرط اصلی آن نوع حکومت آنست که مسئول ملت باشد و اختیاراتش نیز متکی بر ارادهٔ ملت و این شرط در این امر اعظم موجود نیست. باید به خاطر داشت که الواح حضرت بهاءالله بالصراحه حاکی از آنست که اعضای بیت عدل اعظم در تمشیت امور اداری امرالله و وضع قوانین لازمهٔ مکملهٔ کتاب اقدس مسئول منتخبین خود نمی باشند و نباید تحت تأثیر احساسات و آراء عمومیه و حتی عقائد جمهور مؤمنین و مؤمنات و یا نفوسی که مستقیماً ایشان را انتخاب نموده اند قرار گیرند. بلکه باید همواره در حال توجه و ابتهال به حکم وجدان خویش رفتار نمایند و برایشان فرض است که به اوضاع و احوال جاریهٔ هیئت جامعه آشنایی کامل حاصل نمایند و به قضایای مرجوعه بدون شائبهٔ غرض رسیدگی کنند. ولی حق نهایی اخذ تصمیم را برای خویش محفوظ دارند. کلمهٔ مبارکهٔ "انّه یلهمهم ما یشاء" اطمینان صریح حضرت بهاءالله باین نفوس است و بنابراین فقط این نفوس مهابط هدایت و الهامات الهیه اند نه هیئت منتخبین که رأساً و یا به طور غیر مستقیم ایشان را انتخاب می نمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهائی این ظهور اعظم است. (دور بهائی، ص ۹۱)

۳۷. نخستین شرط از شرایط مذکوره (مبادی اخلاقی و رعایت اصل صحت و صداقت در خدمات اجتماعی و اداری) با آن که مربوط به کافهٔ یاران الهی است ولی در مقام اول متوجه نمایندگان منتخب جامعه اعم از ملی و محلی و ناحیه ای می باشد که در زوای خدام و اعضاء مؤسسات جدید الولادهٔ آئین مقدس حضرت بهاءالله وظیفهٔ خطیر و مسئولیت شدیدی در استقرار اساس و بنیان قوم و لایترعزع دیوان عدل الهی بر عهده دارند؛ مرکز عظیم و معهد رفیع المناری که طبق نام و عنوان آن مظهر عدالت رحمانیه و حافظ و حارس معدلت ربّانیه است، عدالت و معدلتی که یگانه عامل استقرار حکومت نظم و قانون و ضامن امن و امان در جهان پر هممه و هیجان است. (ظهور عدل الهی، ص ۴۹)

۳۸. زیرا باید دریافت که نمی توان کما ینبغی و یلیق بر این موضوع تأکید نمود که تقارن محلّ ابدی استقرار رمس حضرت ورقهٔ مبارکهٔ علیا با مراقد متبرکهٔ برادر والا کهر و امّ مقدسش، به میزانی غیر قابل تصور قوای روحانی آن نقطهٔ مبارکه را تقویت خواهد کرد؛ نقطه ای که مقدّر است در ظلّ اجنحهٔ مقام مقدس اعلی و در مجاورت مشرق الاذکار آینده ای که در جنب آن ساخته خواهد شد، به مرکز مشروعات حیرت انگیز،

جهان آراء و هدایت‌کننده اداری تبدیل شود، که حضرت بهاء‌الله مقرر و حضرت عبدالبهاء مشخص و معین فرمودند و باید مطابق و موافق اصول حاکم بر مؤسّسات توأمان ولایت امرالله و بیت العدل اعظم عمل نماید و فعالیت کند. تنها در آن زمان است که این نبوت مهم و خطیر که سطور اخیر لوح مقدس کرم را مزین و منور فرموده تحقق خواهد یافت: "سوف تجرى سفينة الله عليك و يظهر اهل البهاء البدين ذكرهم فى كتاب الاسماء."<sup>۸</sup>

بذل هرگونه جهدی در تجسم و تصوّر ذره ای از جلال و شکوهی که باید این مشروعات را احاطه نماید، هرگونه سعی و کوششی در بیان توصیفی موقت و جزئی از ماهیت یا نحوه فعالیت آن‌ها، یا هر چند به طور نارسا، پیش بینی جریان وقایعی که به ارتفاع و تأسیس نهایی آنها منجر خواهد شد، خارج از توانایی و قدرت این عبد است. همینقدر کافی است که گفته شود در این مرحله متلاطم و آشفتۀ تاریخ عالم، مقارنت این سه نفس فوق العاده مقدس، که بعد از طلعات مقدّسه امر مبارک، بالاترین مقام را در میان خیل عظیم ابطال، حروف، شهداء، ایادیان، مبلغین و خادمین امور امریه امر حضرت بهاء‌الله دارا هستند، در مرکز روحانی و اداری بسیار قوی، فی نفسه موجد قوایی خواهد بود که ظهور درخشانترین گوه‌های نظم اداری را که اکنون در بطن این عصر مصیبت زده محاط به بلایا در حال تکوین است، در سرزمینی تسریع خواهد نمود که از لحاظ جغرافیایی، روحانی و اداری قلب تمامی کره ارض است.

(ترجمه- توفیق مبارک مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۳۹ منتشره در Messages to America: Selected Letters and Cablegrams Addressed to the Bahais of North America 1932-1946 صص ۳۲-۳۳)

۳۹. در این منشور مدنیت جهانی (کتاب اقدس)، مؤسس و واضع مقدّسش که به اوصاف و القاب "قاضی القضاة" و "شارع اعظم" و "منجی و متحدکننده امم: موسوم و موصوف، نزول "ناموس اکبر" را به ملوک و سلاطین ارض ابلاغ... می‌فرماید... در آن سفر کریم مؤسسه عظیم الشان "بیت العدل" را انشاء و وظائف مخصوصه آن را تعیین و واردات آن را مشخص و اعضاء آن را به عنوان "رجال العدل" و "وکلاء الله" و "امناء الرحمن" تسمیه می‌فرماید. (قرن بدیع طبع کانادا، ص ۴۲۸)

۴۰. به موازات این جریانات دوگانه تحکیم و تأسیس، باید توجه مخصوص به تمهید وسائل ضروری مبذول داشت که به واسطه آن، می‌توان با تشکیل سه محفل روحانی ملی که در نظر است در زمان معین در انتخابات بین‌المللی مقدّم بر تشکیل اولین بیت العدل اعظم مشارکت نمایند، مراکز جدیدالولاده در خطه کانادا و سراسر جماهیر آمریکای لاتین را هماهنگ کرد و بیش از پیش تحکیم نمود. ارتفاع این سه رکن که تعداد محافل روحانی ملی را به یازده محفل ارتقاء می‌دهد، و در آتیه ایام به بیوت عدل خصوصی تسمیه خواهند شد، و عالیترین هیأت تشریعی سلسله مراتب امر مبارک را حمایت و تقویت خواهند نمود، با ظهور و بروز نقشه الهی، با تشکیل هیأت‌های مشابهی اکمال خواهند یافت که با تزایدشان ضرورتاً به توسیع

بنیان و تقویت خصیصه جامعیت و فراگیری عالیتین مؤسسه انتخابی خواهند پرداخت؛ مؤسسه ای که همراه با مؤسسه ولایت امر الله، باید فعالیت های امر جهان آراء را هدایت و هماهنگ نماید. با تشکیل این سه محفل روحانی ملی، همانطور که ظهور تدریجی نقشه الهی در سال های آینده نشان خواهد داد، جامعه بهائی آمریکا، علاوه بر فعالیت های تبلیغی اش در سراسر قارات خمس و جزایر ابحر سبعة، مستقیماً در نهادن اساس و بنیان و تسریع در شکل گیری مؤسسه ای مشارکت خواهد نمود که وقتی تشکیل شد، جریان سه گانه مربوط به ارتفاع بنای کلی نظم اداری امر حضرت بهاء الله را به اوج کمال خواهد رساند.

(ترجمه-توقیع ۱۵ جون ۱۹۴۶ مندرج در صفحه ۹۴ Messages to America)

۴۱. اکنون وقت آن رسیده که توأم با اقدامات ششگانه فوق موضوعی که اضطراراً مدتی به تعویق افتاده بود به مرحله عمل درآید و آن تعیین ایادی امر الله بر طبق نصوص الواح وصایای حضرت عبدالهه است که اولین عده آنها بالغ بر دوازده نفر می باشد و به تعداد مساوی از ارض اقدس و قطعات آسیا و آمریکا و اروپا انتخاب شده اند. این اقدامات اولیه مقدمه تحقق مشروعی است که حضرت عبدالهه در کتاب وصایا پیش بینی فرموده اند و با تمهیدات اولیه جهت تشکیل هیأت بین المللی بهائی که بعداً به بیت العدل عمومی تبدیل خواهد شد هم دوش و هم عنان است. این مشروع جدید التأسیس حلقه اتصال دیگری برای تحکیم روابط دائم الاتساع بین المللی امر الله با جامعه پیروان اسم اعظم در نظم اداری بهائی را هموار می سازد. (نقل ترجمه تلگرام ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ از صفحه ۹۳ "ارکان نظم بدیع"، نشر ثانی)

۴۲. مقصود در این لوح عظیم (لوح کرمل) که فی الحقیقه کاشف اسرار الهیه و بشارت دهنده دو تأسیس عظیم و جلیل و خطیر که یکی روحانی و دیگری اداری در مرکز جهانی آئین بهائی است سفینه ئی است که راکبانش رجال بیت العدل اعظم که بر طبق وصایای متقنه مرکز عهد اتم و اقوم، مصدر تشریح احکام غیر منصوصه اند و این احکام در این دور بدیع از این جبل مقدس جریان یابد همچنان که در عهد حضرت کلیم شریعه الله از صهیون جاری و ساری گشت و این جریان سفینه احکام اشاره باستقرار دیوان عدل الهی که فی الحقیقه دارالتشریح است و شعبه ای از مرکز جهانی اداری بهائیان در این جبل مقدس محسوب... (توقیع نوروز ۱۱۱ بدیع، توقیعات مبارکه ۱۱۴-۱۰۹، ص ۱۷۱)

۴۳. تأسیس این بنیان جلیل (دارالآثار بین المللی) بنفسه مبشر آن است که در طی عهود متوالیه عصر تکوین به ارتفاع ابنیه متعدده دیگری جهت مراکز اداری مشروعات مقدسه منصوصه مانند دارالولایه و مقر هیأت ایادی امر الله و بیت العدل اعظم اقدام خواهد گردید. این ابنیه رفیعه به شکل قوس عظیمی با هندسه بدیع و هم آهنگی بی نظیر مرقد حضرت ورقه علیا نفس فرید و ممتاز در بین نساء عالم بهائی و مرقد حضرت غصن اطهر فدیة مقدس حضرت بهاء الله برای احیاء عالم و اتحاد امم و مرقد ام حضرت عبدالهه را که از قلم اعلی به خطاب "و جعلك صاحبة له فی كل عالم من عوالمه" مخصص گردیده احاطه خواهد

نمود و تکمیل نهایی این ابنیه رفیعہ و مشروعات عظیمہ نشانہ آن است کہ نظم اداری جہانی الہی کہ در  
اواخر عہد رسولی آغاز شد بہ سرحدّ رشد و کمال خود واصل گردیدہ است. (نقل ترجمہ توقیع ۲۷ نوامبر  
۱۹۵۴ از صفحہ ۲۳۱ ارکان نظم بدیع)

۴۴. حذف شدہ است

## از قانون اساسی بیت العدل اعظم

۴۵. حضرت بهاء الله مصدر وحی الهی در این دور افخم و مطلع امر و منشأ عدل و رافع صلح اعظم و بانی نظم بدیع در انجمن بنی آدم و منبع الهام و واضع اساس مدنیت الهیه در عالم و مؤلف قلوب و محیی امم و داور کردگار و شارع امر پروردگار استقرار ملکوت الله را در بسیط غربا اعلان و حدود و احکامش را نازل و اصولش را معین و مؤسساتش را ایجاد فرمود و برای آن که قوای قدسیه منبعثه از ظهور اعظمش از مجرای صحیح و در جهت مقصود همچنان سریان و جریان یابد اساس عهد و میثاق متینی را بنیاد نهاد که قوه دافعه اش متابعاً در دوره مرکز میثاق و دوره ولایت امر نیر آفاق ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیه امر مینش بوده و باعث ترقی و تقدّم جهانگیر آئین نازنینش گردیده است؛ و حال همان قوه عظیمه میثاق مقاصد جانفزایش را به واسطه اجرائات بیت العدل اعظم استقرار بخشید؛ و بیت العدل اعظم که یکی از دو وصی حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء است مقصد اعلایش آنکه قدرت و سیطره الهیه که از مصدر شریعه ربّانیه جاری گشته تسلسل و استمرار یابد و وحدت جامعه پیروانش محفوظ گردد و تعالیمش از تصرف و انحراف و تصلّب و انجماد مبری و مصون ماند...

منشأ بیت العدل اعظم و سلطه و اختیار و وظائف و دایره اقداماتش کلّ منبعث از آیات منزله حضرت بهاء الله است. این آیات باهرات با تبیینات و توضیحات مرکز میثاق و ولی امر الله که بعد از حضرت عبدالبهاء یگانه مبین منصوص بیانات مقدسه اند، کلّ مجموعاً مرجع واجب الاطاعه و اسّ اساس بیت العدل اعظم محسوب. مرجعیّت و حاکمیّت مطلقه و قاطعیّت این نصوص مبارکه ثابت و لن یتغیّر خواهد بود تا زمانی که به اراده الهیه مظهر جدیدی در عالم ظاهر شود و در آن یوم زمام امر و حکم در قبضه قدرت او قرار گیرد.

چون بعد از حضرت شوقی افندی جانشینی در مقام ولایت امر الله موجود نه ریاست امر الله با بیت العدل اعظم است که معهد اعلی و مرجع اهل بهاء و بالمآل مسئول حفظ وحدت و تعمیم ترقی و تقدّم امر الهی است... (قانون اساسی بیت العدل اعظم، صفحات ۱-۳)

## دستخط‌های بیت العدل اعظم

۴۶. مسرور از آنیم که توجه ما را به سؤالاتی جلب نمودید که موجب حیرت و سرگشتگی برخی از احباء شده است. احسن و اولی آن که این سؤالات آزادانه و بالصرّاحه مطرح گردد تا این که بیان نشود و مکنون در قلوب مؤمنین و باری سنگین بر دل‌های مخلصین شود. وقتی که اصول اساسیه ظهور حضرت بهاءالله درك شود چنین تردیدها و دودلی‌هایی به سهولت زائل می‌شوند. این بدان معنی نیست که گفته شود امر الهی دارای اسرار و رموز نیست. مسلماً رموز وجود دارند، اما از نوعی نیستند که، وقتی اصول اساسیه امر مبارك و حقائق مسلمّه هر وضعیت به وضوح درك شوند، موجب تزلزل ایمان احدی گردند.

سؤالاتی که توسط آحاد احباء مطرح می‌گردد در سه گروه خلاصه می‌شوند. گروه اول متمرکز بر پرسش‌های زیر است: در حالی که معلوم و مشهود بود که ولی امری وجود نخواهد داشت، چرا مقدمات انتخاب بیت العدل اعظم فراهم گردید؟ آیا زمان برای چنین اقدامی مقتضی و مناسب بود؟ آیا شورای بین‌المللی بهائی نمی‌توانست امور را اداره نماید؟

در زمان صعود ولی محبوب امرالله، حضرت شوقی افندی، از قرائن و نیز از شرائط مصرّح در آثار مبارکه، معلوم و واضح بود که انتصاب جانشین منطبق با شرایط مندرج در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، برای هیکل مبارك میسر نبود. این وضعیت، که حضرت ولیّ امرالله بدون اینکه قادر باشند جانشینی برای خویش تعیین فرمایند، صعود کردند، مسئله‌ای مبهم را ایجاد کرد که در آثار صریحه مبارکه ذکر نشده بود و می‌بایست به بیت العدل اعظم احاله گردد. یاران الهی باید به روشنی دریابند که قبل از انتخاب بیت العدل اعظم هیچ پیش‌آگهی وجود نداشت که ولیّ امری در آینده وجود نخواهد داشت. آحاد احباء هر عقیده و باوری ممکن بود داشته باشند، اما علم و آگاهی مسلم در این مورد وجود نداشت. حضرات ایادی امرالله، شورای بین‌المللی بهائی یا هر يك از سایر هیأت‌های موجود نمی‌توانستند در این موضوع بسیار مهم نتیجه‌گیری و اتخاذ تصمیم نمایند. تنها بیت العدل اعظم از اختیار و اقتدار لازم برای اعلام چنین موضوعی برخوردار بود. این دلیلی اضطراری و مبرم برای دعوت به انتخاب بیت العدل اعظم در اسرع وقت بود.

بعد از صعود حضرت ولیّ امرالله، امور اداری بین‌المللی امر مبارك توسط حضرات ایادی امرالله، با وفاداری و موافقت کامل محافل روحانی ملی و آحاد احباء صورت می‌گرفت. این منطبق با تعیین حضرات ایادی توسط حضرت ولیّ امرالله به عنوان "حراس جامعه جنینی جهانی حضرت بهاءالله" بود.

از همان ابتدای تصدی امور امر الهی، حضرات ایادی متوجه شدند چون قطعیت و یقین به هدایت الهی، آن چنان که به طور مسلم و تردید ناپذیری برای ولیّ امر و بیت العدل اعظم تضمین شده، نداشتند، تنها مسیری خطر و امن برای آنها این بود که با قاطعیتی انحراف ناپذیر، از هدایات و خطّ مشی حضرت شوقی افندی تبعیت نمایند. تمامی تاریخ دین هیچ سابقه مشابهی از چنین انضباط نفس شدید، چنین وفاداری مطلق، و چنین ایثار کاملی از سوی رهبران دیانتی را، که خود را ناگهان از وجود هدایت ملهم الهی محروم مشاهده می‌کنند، نشان نمی‌دهد. حقّ شناسی و سیاسی را که نوع بشر نسلیها، بل اعصار و قرون آینده، به این معدود نفوس محزون و مغموم و در عین حال ثابت قدم و شجاع مدیون می‌باشد، خارج از حدّ احصاء و تقویم است.

حضرت ولیّ امر الله نقشه های صریح، روشن و تفصیلی به عالم بهائی عنایت فرموده بودند که دوره تا رضوان ۱۹۶۳، یعنی تا پایان جهاد روحانی ده‌ساله را در بر می‌گرفت. از آن زمان به بعد، برای جلوگیری از مواجهه امر مبارک با مخاطرات، وجود هدایت الهی بیشتری ضرورت داشت. این دومین دلیل مبرم برای دعوت به انتخاب بیت العدل اعظم بود. اشارات حضرت ولیّ امر الله در تواقیع مبارکه به این نکته که نقشه های دیگری بعد از نقشه ده ساله تحت هدایت بیت العدل اعظم ارائه خواهد گردید، مقتضی و مناسب بودن زمان را تأیید می‌کند. یکی از این اشارات عبارات زیر است که از توقیع مبارک مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۱ خطاب به محفل روحانی ملی جزایر بریتانیا استخراج شده است؛ توقیع مزبور در مورد نقشه دو ساله محفل ملی مزبور است که بلافاصله مقدم بر جهاد کبیر اکبر روحانی ده‌ساله بود.

آغاز مشروعات عهد آتیه عصر تکوین امر مبارک، که در حیطه و محدوده خود جمیع محافل ملیّه فعال در سراسر عالم بهائی را در بر می‌گیرد، بر حصول توفیق در این نقشه، که از نظر ابعاد بی سابقه، از لحاظ خصوصیات عدیم النظیر، و از لحاظ امکانات و استعداد روحانی وسیع است، باید مبتنی باشد؛ مشروعاتی که فی نفسه عبارت از مقدمه‌ای بر شروع نقشه‌های جهانی است که در مراحل آینده عصر تکوین، بیت العدل اعظم بدان مبادرت خواهد ورزید که نماینده وحدت و باعث هماهنگی و توحید مساعی محافل ملی خواهد بود. (ترجمه ای از بیان مبارک مندرج در ص ۲۶۰ مجموعه The Unfolding Destiny of the British Baha'i Community)

حضرات ایادی، بعد از آن که مدت شش سال اداره امور امر مبارک را در دست داشتند، با ایمان مطلق به آثار مبارکه، احبای الهی را دعوت به انتخاب بیت العدل اعظم نمودند، و حتی تا آنجا پیش رفتند که تقاضا کردند به خود ایشان رأی داده نشود. تنها مورد محزن اثر تسلیم شدن فردی به وسوسه‌های قدرت و سلطه‌طلبی، عبارت از تلاش اسف‌انگیز چارلز میسن ریمی برای غصب مقام ولایت امر بود.

گزیده‌های زیر از یکی از الواح حضرت عبدالبهاء به وضوح و با تأکید اصولی را بیان می‌دارد که احبّاء قبلاً در الواح مبارکه و صایای حضرت مولی الوری و تواقیع متعدّده حضرت ولی امرالله با آن آشنا هستند، و اساس انتخاب بیت العدل اعظم را توضیح می‌دهد. این لوح توسط نفس حضرت ولی امرالله در سال های اولیّه قیادت هیکل مبارک، جهت انتشار در بین احبّاب، به ایران ارسال گردید:

زیرا عبدالبهاء در طوفان خطر است و از خوف اختلاف آراء در نهایت حذر... الحمدلله اسباب اختلافی نه. حضرت اعلی صبح حقیقت روشن و تابنده بر جمیع ارجاء و مبشر نیر اعظم ابھی و جمال مبارک موعود جمیع کتب و صحف و زبر و الواح و ظهور مجلّی طور در سدره سینا و ماعدا کلّ بنده آن آستانیم و احقر پاسبان... مقصود اینست که قبل از الف کسی سزاوار تکلم به حرفی نیست ولو مقام ولایت باشد. کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرّح؛ احکام غیر مذکوره راجع بقرار بیت العدل؛ دیگر اسباب اختلافی نه... زنهار زنهار مگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید. اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فوراً حلّ مشکل فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است؛ زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیست و او را صیانت از خطا فرماید و در ظلّ جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید. هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود.

و بیت عدل اعظم به ترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملت در اروپا انتخاب می‌شود انتخاب گردد و چون ممالک مهتدی شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید و در هر زمان که جمیع احبّاء در هر دیار و کلائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم است و الاّ تأسیسش مشروط به ایمان جمیع ممالک عالم نه. مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فساد نداشت احبّای ایران و کلائی انتخاب می‌نمودند و احبّای امریک و هند و سائر جهات نیز و کلائی انتخاب می‌نمودند و آنان بیت العدل انتخاب می‌نمودند، آن بیت العدل اعظم بود والسلام. (مکاتیب جلد ۳، ص ۵۰۰)

یاران باید متوجّه باشند که در نصوص مبارکه هیچ نکته ای نیست که اشاره داشته باشد که فقط ولی امرالله می‌تواند دعوت به انتخاب بیت العدل اعظم نماید. بر عکس، حضرت عبدالبهاء دعوت به این انتخابات را در ایام حیات خویش پیش بینی فرمودند. در زمانی که توسط حضرت ولی امرالله به عنوان "مظلم ترین لحظات حیات آن حضرت، تحت حکومت عبدالحمید، که هیکل مبارک خود را آماده اخراج و تبعید به نامساعدترین نواحی آفریقای شمالی می‌کردند" توصیف می‌فرمایند، و زمانی که حتی



حیات خود هیکل مبارک مرکز میثاق در مخاطره و تهدید بود، حضرت عبدالبهاء به حاجی میرزا تقی افغان، پسر خاله حضرت ربّ اعلی و بانی اصلی معبد عشق آباد، مکتوبی مرقوم و به ایشان امر فرمودند در صورتی که تهدیدات علیه مرکز میثاق عملی گردد، ترتیب انتخاب بیت العدل اعظم را بدهد. بخش ثانی الواح وصایای حضرت مولی الوری نیز به چنین وضعیتی مرتبط است و باید یاران الهی آن را مطالعه نمایند.

گروه دوم مسائل که برخی از یاران را آزار می دهد بر مسأله معصومیت بیت العدل اعظم و توانایی فعالیت آن بدون حضور ولی امر متمرکز است. مشکل اخصّ از درک دلالات بیان زیر صادره از قلم حضرت ولی محبوب امر الله نشأت گرفته است:

هرگاه ولایت امر از نظم بدیع حضرت بهاء الله منتزع شود، اساس این نظم متزلزل و الی الابد محروم از اصل توارثی می گردد که به فرموده حضرت عبدالبهاء در جمیع شرایع الهی نیز برقرار بوده است. حضرت عبدالبهاء در لوحی که به افتخاریکی از احبای ایران نازل گردیده می فرمایند: "در جمیع شرایع الهیه ولد بکر امتیازات فوق العاده داشته حتی میراث نبوت تعلق به او داشت." بدون این مؤسسه وحدت امر الله در خطر افتد و بنیانش متزلزل گردد و از منزلتش بکاهد و از واسطه فیضی که بر عواقب امور در طی دهور، احاطه دارد بالمره بی نصیب ماند و هدایتی که جهت تعیین حدود و وظائف تقنینیه منتخبین ضروری است سلب شود. (دور بهائی، ص ۸۲)

یارانی که مایلند در زمان حاضر درکی روشن تر از این بیان داشته باشند، باید آن را با توجه به بسیاری از بیانات مبارکه دیگر که به همین موضوع مربوط می شود، مدّ نظر قرار دهند. فی المثل به فقرات ذیل که از آثار حضرت شوقی افندی استخراج شده توجه نمایند:

آنها (حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء)... با بیانی صریح و قاطع دو مؤسسه توأمان بیت العدل و ولایت امر الله را به عنوان جانشینان خویش معین فرموده اند که وظائفشان عبارت است از اجراء اصول و ترویج حدود و محافظه مؤسسات و تطابق حکیمانۀ امر الله با مقتضیات زمان و تحقق میراث مرغوب خلل ناپذیر بانی بنیان امر یزدان در عالم امکان. (توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰، نظم جهانی بهائی، ص ۲۵)

و نیز هر یک از اهل بهاء باید بدانند که مؤسسه ولایت امر الله به هیچ وجه اختیاراتی را که حضرت بهاء الله در کتاب اقدس و حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا به بیت العدل اعظم تفویض فرموده اند سلب نمی نماید و به هیچ منوال با مندرجات الواح وصایا و الواح

حضرت بهاء الله تضادى را به وجود نمى آورد و هرگز دستورات منزله مبارکه اش را باطل نمى سازد. بلکه بر عکس، مؤسسه ولایت امر الله بر وقرو اعتبار بیت العدل اعظم مى افزاید و بدون آن که سر موئی به حریم حکومت و وظائفش که در نصوص مبارکه مصرح گشته تجاوز نماید، مقام منیعش را ثبات مى بخشد و وحدتش را حفاظت مى کند و مجهوداتش را مداومت مى دهد. ما هنوز از لحاظ زمانی به این سند عظیم، یعنی الواح وصایا، بسیار نزدیکیم و از ادراك کامل مضامینش و از اطلاع بر اسرار مکنونه اش عاجز و ناتوان. (توقیع ۲۷ فوریه ۱۹۲۹، نظم جهانی بهائی، ص ۱۲)

از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولی امر، مبین آیات الله و بیت العدل اعظم واضع احکام غیر منصوصه است. تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همان قدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بهاء الله است. هیچ يك از این دو نمى تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود. هیچ يك در صدد تزییف سلطه و اختیارات مخصوصه مسلمة دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است بر نخواهد آمد. (دور بهائی، ص ۸۵)

هر يك... قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات خود را در حدود مشخصه اعمال مى نماید و قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات این دو مؤسسه هیچ يك با یکدیگر متناقض نیست. (همان، ص ۸۲)

هر چند ولی امر رئیس لاینعزل این مجلس فخیم است، معهدا نمى تواند بنفسه حتّى به طور موقت واضع قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت اعضای مجلس را الغاء نماید. (همان، ص ۸۵)

از آن گذشته، این کلام حضرت بهاء الله قلوب احبباء را مطمئن نماید:

ید قدرت الهیه این امر نازنین را بر اساس متین و محکم استوار فرموده که طوفان انقلابات عالم گون بنیان آن را هرگز منهدم ننماید و اوهام بشر آن را متزلزل نسازد. (ترجمه بیان مبارك مندرج در دور بهائی، ص ۲۵)

و این بیان حضرت عبدالبهاء آنها را دلگرم سازد:

فی الحقیقه، یفعل الله ما یشاء؛ هیچ چیز نمی‌تواند میثاقش را متزلزل سازد؛ هیچ چیز نمی‌تواند مانع از نزول الطافش گردد یا با امرش مخالفت کند؛ یفعل ما یرید و ما یشاء و آنه هو المقتدر علی الاشیاء کلها. (ترجمه- Tablets of Abdul-Baha جلد سوم، ص ۵۹۸)

یاران الهی باید درک کنند که بیت العدل اعظم قبل از وضع قانون در هر موردی، ابتدا به مطالعه دقیق و جامع آثار مقدسه مبارکه و توابع منیع حضرت ولی امرالله در خصوص موضوع مورد نظر خواهد پرداخت. تبیینات مکتوب حضرت ولی محبوب امرالله گستره وسیعی از مواضیع را در بر می‌گیرد و مانند نفس نصوص مبارکه واجب اطاعه است.

بین تبیینات حضرت ولی امرالله و توضیحات بیت العدل اعظم در اجرای وظیفه‌اش که مذاکره "در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه"<sup>۹</sup> می‌باشد، تفاوت عمیقی وجود دارد. ولی امرالله معانی حقیقی آثار مبارکه را بیان می‌فرماید؛ تبییناتش بیان حقیقت است و غیر قابل تغییر و تبدیل. به بیان حضرت ولی امرالله "حق مسلم تشریح احکام غیر منصوصه بهائی فقط مختص بیت العدل اعظم است"<sup>۱۰</sup>. بیانیه‌های بیت العدل اعظم، که توسط خود بیت العدل اعظم قابل اصلاح یا القاء هستند، مکمل شریعه الله و وسیله اجرای آن هستند. اگر چه بیت العدل اعظم دارای وظیفه تبیین نیست، اما در موقعیتی قرار دارد که هر آنچه برای استقرار و تثبیت نظم جهانی حضرت بهاءالله در بسط غرباء ضروری باشد، انجام دهد. وحدت عقاید با وجود متون موثق آثار مبارکه و تبیینات کثیره حضرت عبداله‌بهاء و حضرت شوقی افندی، همراه با نهی اکید هرگونه اعلام تبیینات "موثق" یا "ملهم" یا غضب مقام و وظیفه ولایت، حفظ و صیانت می‌شود. وحدت امور اداری و اجرایی با اقتدار و اختیارات بیت العدل اعظم تضمین می‌گردد.

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "چنین است کلمه ثابت و تغییر ناپذیر امر الهی و در عین حال چنین است انعطاف پذیری و وظائف مجریان امر بهائی. آن تغییر ناپذیری کلمه الله هویت امر بهائی را ثابت و اصالت احکامش را محفوظ می‌دارد و این انعطاف پذیری سبب می‌شود که همگام زنده امرالله رشد و نمو نماید و خود را با حوائج و مقتضیات جامعه دائم التعمیر بشری منطبق و موافق سازد."<sup>۱۱</sup>

هر مؤمن واقعی، اگر درکی عمیق از امر حضرت بهاءالله داشته باشد، باید ایمان عمیق به تأثیر مطمئن و دائمی پیام و میثاق آن حضرت را با تصدیق خاضعانه این نکته ترکیب نماید که احدی از نسل او نمی‌تواند ادعا کند که وسعت امر الهی را به طور کامل درک نموده یا قوا، استعدادها و رموز کثیره مندمج در آن وقوف یافته است. کلام حضرت ولی امرالله شاهدیست وافی و گواهیست کافی بر این حقیقت:

چه عظیم است ظهور حضرت بهاء‌الله و چه وسیع است فیوضات و مواهب این زمان که نصیب عالم انسانی است و چه نارسا و قلیل است فهم و ادراک ما از عظمت و جلال آن ظهور بی همتا. نسل حاضر به این ظهور اعظم نزدیک‌تر از آن است که بتواند از قدرت و قوت امر بهاء‌الله باخبر گردد و خواص ممتاز بی نظیر و اسرار مکنون و مستورش را چنانکه باید و شاید ادراک نماید.<sup>۱۲</sup>

مولای محبوب ما در الواح مبارکه و صایا از ما خواسته‌اند که نه تنها بدون هیچ قید و شرطی آن (نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء‌الله) را اختیار کنیم، بلکه مزایای آن را برای جمیع اهل عالم مشهود و معلوم سازیم. مساعی ما برای تخمین ارزش کامل و درک اهمیت دقیق آن در مدتی چنین کوتاه که از زمان ایجاد آن می‌گذرد، اقدامی بسیار زود هنگام و جسورانه خواهد بود. برای برخورداری از درکی واضح‌تر و کامل‌تر از شرایط و دلالات آن، باید به زمان و هدایات بیت العدل اعظم الهی اعتماد کنیم... (ترجمه توفیق ۲۳ فوریه ۱۹۲۴ مندرج در صفحه ۶۲ Bahai Administration)

و اما آنچه راجع به ترتیب و تمشیت امور روحانیّه احبّا است همانا تقویت اساس محافل مقدّس روحانیست در تمام نقاط؛ چه که بر این اساس محکم متین در مستقبل ایّام بیت العدل اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این بنیان اعظم بر این اساس اقوم مرتفع شود، نوایای مقدّسه الهیه و حکم و معانی کلّیه و رموز و حقائق ملکوتیه که در وصایای مبارکه الهامات غیبی حضرت بهاء‌الله ودیعه گذاشته، به تدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید. (از توفیق ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ خطاب به محفل مقدّس روحانی طهران، منتخبات توقعات مبارکه، طبع ۱۰۵ بدیع، ص ۴۷)

بیاناتی از این قبیل نشان می‌دهد که معنای کامل الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و نیز درک دلالات نظم جهانی که سند متعالی و شگفت‌انگیز مزبور، طلّعه آن است، تنها به تدریج در مقابل اعین افراد بشر و بعد از ایجاد بیت العدل اعظم می‌تواند مشهود و آشکار گردد. از یاران خواسته می‌شود که به زمان اعتماد داشته باشند و منتظر هدایات بیت العدل اعظم باشند، که منطبق با مقتضیات، بیانه‌هایی را صادر خواهد کرد که مواضع مبهمه را حلّ و واضح خواهد ساخت.

گروه سوم از مسائل و سؤالات توسط یارانی مطرح می‌شود که نگران جزئیات فعالیت بیت العدل اعظم در غیاب ولیّ امر، بخصوص موضوع اخراج اعضاء بیت العدل، هستند. چنین مسائلی در قانون اساسی بیت العدل اعظم، که تدوین آن از جمله اهداف نقشه نه‌ساله می‌باشد، توضیح داده خواهد شد.

در این ضمن، به اطلاع یاران می‌رساند که هر عضوی که مرتکب گناهی شود که "در حق عموم ضرری حاصل شود"<sup>۱۳</sup> با رأی اکثریت خود بیت العدل اعظم می‌توان او را از عضویت منفصل نمود. اگر معاذ الله، عضوی از اعضاء مرتکب نقض عهد شود، موضوع توسط حضرات ایادی امر الله مورد تحقیق و تفحص قرار خواهد گرفت و ناقض میثاق، مانند هر فرد دیگری از احباء، با تصمیم حضرات ایادی امر الله مقیم ارض اقدس و تصویب بیت العدل اعظم از جامعه اخراج خواهد شد. تصمیم حضرات ایادی در چنین قضیه ای توسط بیت العدل اعظم به عالم بهائی اعلام خواهد گردید.

اطمینان داریم که وقتی شما این مکتوب را به اطلاع احباء برسانید و بیانات مبارکه و آثار حضرت ولی‌امرالله که نقل گردید مورد توجه آنان واقع گردد، تردیدها و دودلی های آنها زائل خواهد شد و قادر خواهند بود مساعی خویش را صرف انتشار پیام حضرت بهاءالله نمایند و اطمینان راسخ داشته باشند که سطوت میثاق بر جمیع امتحانات و افتتاناتی که به عنایت مرموز الهی نازل می‌گردد غالب خواهد شد و به این ترتیب توانایی خود را برای نجات جهانی مبتلا به مصائب و بلاها و اهتزاز رایت سمحای ملکوت الهی بر بسیط غبراء به منصه ظهور خواهد رسانید. (ترجمه پیام ۹ مارس ۱۹۶۵ خطاب به یکی از محافل روحانی ملی، مندرج در Wellspring of Guidance، ص ۵۶-۴۴)

۴۷. شما ضمن استناد به بیان حضرت ولی‌امرالله که "...اگر محیط مساعدی به وجود می‌آمد که بهائیان ایران و کشورهای همجوار تحت تسلط روسیه می‌توانستند نمایندگان خود را انتخاب نمایند، دیگر مانعی در تشکیل بیت العدل عمومی نبود"<sup>۱۴</sup> در خصوص مناسبت زمانی انتخابات بیت العدل اعظم سؤال کرده‌اید. حضرت ولی‌امرالله در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۷ در مکتوبی که منشی هیکل مبارک از طرف ایشان در جواب یکی از احاد احباء که در خصوص همین بیان سؤال کرده بود، چنین می‌فرمایند، "در زمانی که هیکل مبارک به روسیه اشاره فرمودند، احباء در این کشور حضور داشتند. اکنون جامعه عملاً در آنجا وجود ندارد؛ بنابراین تشکیل بیت العدل عمومی را نمی‌توان منوط به تشکیل محفل روحانی ملی روسیه نمود. اما سایر محافل روحانی ملی قوی، قبل از آن که بتوان بیت العدل را تأسیس کرد، باید تشکیل شوند". (ترجمه)

شما این احتمال را مطرح کرده‌اید که جهت حفظ مصالح امریه برخی از اطلاعات مربوط به جانشینی حضرت شوقی افندی از احاد احباء دریغ می‌شود. ما به شما اطمینان می‌دهیم که هیچ چیز بنا به هر دلیلی از احباء دریغ نمی‌گردد. ابدأ تردیدی نیست که حضرت شوقی افندی، در الواح مبارکه وصایا، دارای اختیار برای انتصاب جانشین خود بودند، اما ایشان فرزندی نداشتند و جمیع اغصان در قید حیات نیز نقض عهد کرده بودند. به این ترتیب همان طور که حضرات ایادی امرالله در سال ۱۹۵۷ اعلام کردند<sup>۱۵</sup>، واضح و بدیهی است که احدی وجود نداشت که ایشان بتوانند طبق مضامین الواح مبارکه

وصایا به عنوان جانشین خود منصوب فرمایند. بدیهی است، اقدام برای انتصاب خارج از شرایط واضح و مصرح الواح مبارکه وصایای حضرت مولی الوری در نظر حضرت ولی امرالله، محافظ و مدافع میثاق که به الهام الهی منصوب گردیده بودند، اقدامی مستحیل و غیر قابل تصور بود. مضافاً، همان طور که واقفید همین الواح وصایا وسیله ای واضح برای تأیید انتصاب جانشین توسط حضرت ولی امرالله تعیین کرده است. نه نفر از حضرات ایادی می بایست توسط هیأت ایادی انتخاب شوند و با رأی مخفی انتخاب ولی امر را مورد تصدیق قرار دهند. در سال ۱۹۵۷ کل هیأت ایادی، بعد از تحقیق و بررسی کامل این موضوع، اعلام کردند که حضرت شوقی افندی نه جانشینی منصوب فرموده‌اند و نه وصیت نامه ای از خود به جای گذاشته‌اند. این موضوع مستند و تثبیت شده است.

این واقعیت را که حضرت شوقی افندی هیچ وصیت نامه‌ای از خود به جای نگذاشتند نمی‌توان به عنوان مدرکی دال بر قصور ایشان در اطاعت از حضرت بهاءالله اقامه نمود، بلکه باید تصدیق کنیم که در نفس سکوت ایشان حکمتی و نشانه ای از هدایت مصون از خطای ایشان وجود دارد. ما باید عمیقاً در آثاری که در دست داریم تأمل و تفکر نماییم و سعی کنیم اشارات و دلالات کثیره مندمج در آنها را دریابیم. فراموش نکنید که حضرت شوقی افندی فرمودند برای درکی فزاینده نسبت به نظم جهانی حضرت بهاءالله دو امر لازم است: مضمی زمان و هدایت بیت العدل اعظم.

عصمت بیت العدل اعظم، که در حیطة مقدر خود فعالیت می‌کند، منوط به حضور ولی امرالله در زمره اعضا آن نشده است. اگر چه در حیطة تبیین، بیانیه‌های حضرت ولی امرالله مطاع است، در زمینه شرکت ولی امر در تشریح، همیشه تصمیم نفس بیت العدل باید غالب باشد. این موضوع در این کلام حضرت ولی امرالله مورد تأیید واقع شده است، "تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همان قدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بهاءالله است. هیچ يك از این دو نمی‌تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود. هیچ يك در صدد تزییف سلطه و اختیارات مخصوصه مسلمة دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است بر نخواهد آمد.

هر چند ولی امر رئیس لا ینعزل این مجلس فخیم است، مع هذا نمی‌تواند بنفسه حتی به طور موقت واضح قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت اعضای مجلس را الغاء نماید؛ ولیکن هرگاه تصمیمی را وجداناً مباین با روح آیات منزله تشخیص دهد باید ابرام و تأکید در تجدید نظر آن نماید." ۱۶

اما، غیر از فعّالیّت به عنوان يك عضو و رئیس مقدّس ابدی بیت العدل اعظم، حضرت ولیّ امرالله، در حیطة فعّالیّت خود، حقّ و وظیفه "تعیین حدود و وظائف تقنینیه"<sup>۱۷</sup> بیت العدل اعظم را داشتند. به عبارت دیگر، ایشان اختیار داشتند اعلام نمایند که آیا موضوعی از قبل در متون نصوص مقدّسه و آثار مبارکه وجود داشت یا نداشت و بنابراین آیا در زمره اختیارات بیت العدل اعظم بود که در زمینه مزبور به تشریح احکام پردازند یا خیر. هیچ نفس دیگری به جز ولیّ امرالله حقّ یا اختیار ندارد که چنین مواضعی را تعریف کند. بنابراین این سؤال مطرح می شود که در غیاب ولیّ امرالله، آیا بیت العدل اعظم در خطر انحراف و خروج از حیطة صحیح و دقیق خود و در نتیجه ارتکاب خطا نیست؟ در اینجا باید سه نکته را مدّ نظر قرار دهیم: اول آنکه، حضرت شوقی افندی در طول سی و شش سال ولایت خود، بیانات لاتعدّ و لاتحصایی عنایت فرموده‌اند که تبیینات حضرت عبدالبهاء و نفس حضرت بهاءالله را تکمیل می کند. همان طور که قبلاً به یاران اعلام شده است، مطالعه دقیق آثار مقدّسه و تبیینات مبارکه در هر موضوعی که بیت العدل اعظم قصد وضع حکمی در آن مورد داشته باشد، همیشه مقدّم بر اقدام به تشریح خواهد بود. دوم آن که، بیت العدل اعظم که فی نفسه مطمئن و مؤیّد به هدایت الهیه است، کاملاً از غیبت ولیّ امرآگاهی دارد و تنها زمانی اقدام به تشریح می کند که از حیطة تشریح خود مطمئن باشد، حیطة ای که حضرت ولیّ امرالله در کمال اطمینان به عنوان "اختیارات معینه"<sup>۱۸</sup> توصیف می فرمایند. سوم آنکه، نباید بیانیّه مکتوب حضرت ولیّ امرالله در مورد این دو مؤسسه را فراموش کنیم: "هیچ يك از این دو نمی تواند به حدود مقدّسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود."<sup>۱۹</sup>

و اما در خصوص نیاز به استنباط و استنتاج از آثار مقدّسه جهت مساعدت به تدوین احکام و تشریح توسط بیت العدل اعظم، به بیان زیر صادره از یراعه حضرت عبدالبهاء توجه باید نمود:

مسائل کلیه که اساس شریعت الله است منصوص است ولی متفرّعات راجع به بیت العدل و حکمت این است که زمان بر يك منوال نماند تغییر و تبدل از خصایص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت العدل به مقتضای آن مجری می نماید.<sup>۲۰</sup>

همچو ملاحظه نشود که بیت العدل به فکر و رأی خویش قراری دهد؛ استغفرالله. بیت العدل بالهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتّباعش فرض مسلّم و واجب متحتّم است ابداً مفری از برای نفسی نه.<sup>۲۱</sup>

قل يا قوم إنّ بيت العدل الاعظم تحت جناح ربكم الرحمن الرحيم أى صونه و حمايته و حفظه و كلالته لأنّه امر المؤمنين و الموقنين باطاعة تلك العصبه الطيبة و الثلة المقدسة القاهرة فسلطتها ملكوتية رحمانية و احكامها الهامية روحانية.<sup>۲۲</sup>

بارى مقصود و حكمت ارجاع احكام مدنيه به بيت العدل اين است و در شريعت فرقان نيز جميع احكام منصوص نبود بلکه عشر عشر معشار منصوص نه اگر چه کلیه مسائل مهمه مذکور ولی البتّه يك كرور احكام غير مذکور بود. بعد علماء به قواعد اصول استنباط نمودند و در آن شرايع اوليه افراد علماء استنباط هاى مختلف مى نمودند و مجرى مى شد. حال استنباط به هیأت بيت العدل است و استنباط و استخراج افراد علماء را حکمی نه، مگر آنکه در تحت تصدیق بيت عدل درآید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق هیأت بيت عدل که اعضایش منتخَب و مسلم عموم ملت است اختلاف حاصل نمی گردد ولی از استنباط افراد علماء حکماً اختلاف حاصل شود و باعث تفریق و تشیت و تبعیض گردد و وحدت کلمه بر هم خورد و اتحاد دين الله مضمحل شود و بنیان شريعت الله متزلزل گردد.<sup>۲۳</sup>

در نظم حضرت بهاء الله وظائف معینی وجود دارد که برای مشروعات مشخصی تعیین شده، و سایر وظایف بالمشارکه انجام می شود، حتی اگر در زمینه خاص و تخصص یکی یا دیگری باشد. فی المثل، اگر چه حضرات ایادی امر الله وظائف معین صیانت و تبلیغ را به عهده دارند، و در این فعالیت ها متبخر هستند، وظیفه بيت العدل اعظم و محافل روحانی نیز صیانت و تبلیغ امر الله است، مسلماً تبلیغ وظیفه مقدسی است که به عهده جميع مؤمنین به حضرت بهاء الله گذاشته شده است. همچنین، اگر چه بعد از حضرت مولی الوری، تبیین موثق و مجاز منحصرأ در حیطة اختیار حضرت ولی امر الله است، و اگر چه تشريع منحصرأ وظیفه بيت العدل اعظم است، اما این دو مؤسسه به بیان حضرت ولی امر الله، "در مقاصد و نوایا همواره متحدند"<sup>۲۴</sup>. "هدف مشترك و اساسی این دو مؤسسه آن است که همواره سلطه و اختیاراتی را که من جانب الله بوده و از نفس مظهر ظهور سرچشمه گرفته است حفظ نماید و وحدت پیروان آئینش را محفوظ دارد و اصالت و جامعیت تعالیمش را صیانت کند.<sup>۲۵</sup> در حالی که بيت العدل اعظم نمی تواند هرگونه وظیفه ای را که منحصرأ به ولی امر الله تعلق دارد به عهده بگیرد، اما باید همچنان هدف مشترك بین خود و مقام ولایت امر الله را دنبال نماید.

همانطور که با نقل بیانات بسیاری خاطر نشان ساخته اید، حضرت شوقی افندی مکرراً تفکیک ناپذیری این دو مؤسسه را مورد تأکید قرار داده اند. اگر چه آشکارا ایشان فعالیت توأمان این دو را پیش بینی فرمودند، منطقی نمی توان از آن استنتاج نمود که یکی در غیاب دیگری قادر به فعالیت نیست. در



طی سی و شش سال تمام ولایت امر الله، حضرت شوقی افندی بدون بیت العدل اعظم فعالیت کردند. حال، بیت العدل اعظم باید بدون ولی امر الله فعالیت کند، اما اصل تفکیک ناپذیری همچنان به قوت خود باقی است. ولایت امر الله، صرفاً به این علت که ولی امری در قید حیات نیست، اهمیت و مقام خود را در نظم حضرت بهاء الله از دست نمی دهد. ما باید از دو حد افراط و تفریط پرهیز کنیم: یکی آن که استدلال شود چون ولی امری وجود ندارد پس تمام آنچه که در مورد ولایت امر الله و مقام آن در نظم جهانی بهائی نوشته شده مکتوبی است که جز نامی از آن باقی نمانده است؛ و دیگر آنکه چنان تحت تأثیر اهمیت ولایت امر قرار گیریم که قوت میثاق را قلیل شماریم یا وسوسه شویم که با نصوص صریحه چنان به مصالحه برسیم که به طریقی "ولی امری" پیدا کنیم.

خدمت به امر الهی مستلزم وفاداری و صداقت و ایمان تزلزل ناپذیر به ذات خداوندی است. در دست گرفتن مسئولیت امر آتیه الهی در دستان خود و بدون ملاحظه نصوص واضح و محدودیت های خودمان؛ تلاش برای فرستادن آن به راه هایی که مایلیم بدان سوی متمایل شود؛ نه تنها منجر به خیر و مصلحت نمی شود بلکه منشأ شر و فساد خواهد بود. این امر او است. او وعده داده است که نورش هرگز خاموشی نپذیرد. نقش ما این است که در نهایت استقامت و استحکام به کلام منزله و مشروعاتی که حضرتش برای صیانت از میثاقش خلق فرموده، متمسک شویم.

دقیقاً در این رابطه است که احباء باید اهمیت خضوع و صداقت عقلی و فکری را دریابند. در ادوار ماضیه، به این علت که مؤمنین به ظهور الهی بیش از حد مشتاق بودند پیام الهی را در چارچوب تفکر محدود خویش قرار دهند؛ اصول اعتقادی را ورای قدرت و توان خود تعریف کنند؛ اسرار و رموزی را که تنها حکمت و تجربه عصر بعد از آن قابل درکش می ساخت توضیح دهند؛ حقانیت امری را به این علت که مطلوب و ضروری به نظر می رسید مورد مباحثه و استدلال قرار دهند؛ خطاهای بسیاری رخ نمود. ما باید از چنین مصالحه هایی با حقیقت اساسی، از چنین غرور و نخوت فکری با دقت و صداقت، اجتناب نماییم.

اگر برخی از بیانیه های بیت العدل اعظم تفصیلی نیست، یاران باید متوجه باشند که علت آن مخفی کاری و پنهان کاری نیست، بلکه عزم جزم این هیأت است که از تبیین تعالیم اجتناب نماید و حقیقت بیانات حضرت ولی امر الله را صیانت نماید که فرمودند: "رهبران ادیان و مروّجان فرضیه های سیاسی و رؤسای جوامع انسانی... نباید آنی در اصل و اعتبار و کیفیت مؤسّسات و تشکیلات بهائی که اهل بهاء در سراسر جهان<sup>۲۶</sup> به بنایش مشغولند ادنی شك و شبهه ای نمایند. زیرا همه آنها در گنجینه تعالیم و آثار بهائی موجود و مذکور است و هرگز ابهامی در میان نیست که مجال دهد تا فساد و دخالت های بیجا و تفسیرهای غیر مجاز در آن نظم بدیع راه یابد."<sup>۲۷</sup>

در این امر مبارک، بین تبیین موثق و تبیین یا درکی که هر یک از افراد با مطالعه تعالیم برای خود به آن می رسد، وجه تمایزی بارز و روشن وجود دارد. در حالی که وجه اول محصور و منحصر به حضرت ولی امرالله است، وجه ثانی، بنا به هدایتی که از نفس حضرت ولی امرالله به ما عنایت شده، به هیچ وجه نباید سرکوب و منکوب گردد. در واقع، چنین تبیین فردی ثمره قوه عقل و منطق انسان تلقی می شود و منتج به درک بهتر تعالیم مبارکه می گردد، مشروط بر آنکه هیچ مجادله یا مباحثه ای در میان احباء ایجاد نشود و فرد دریابد و توضیح دهد که این صرفاً آراء و نظرات خود او است.<sup>۲۸</sup> با رشد درک شخص از تعالیم مبارکه تبیینات فردی نیز مستمراً متحول می شوند. حضرت ولی امرالله توضیح داده اند که، "عمیق شدن در امر الهی به معنای خواندن آثار مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء به میزانی است که بتوانیم آنها را به همان شکل بی پیرایه و خالص خود به دیگران عرضه نماییم. بسیاری از نفوس هستند که دارای نظریات سطحی در مورد امر مبارک می باشند. لهذا، آن را با انواع آراء و نظریات خود به سایرین عرضه می کنند. از آنجا که امر الهی هنوز در دوران طفولیت خود به سر می برد ما باید بسیار دقت کنیم مبدا مرتکب این خطا شویم و به نهضت مقدسی که این قدر مورد مدح و ستایش ما است، صدمه و لطمه وارد کنیم. در مطالعه امر مبارک حد و مرزی وجود ندارد. هر چه بیشتر آثار مبارکه را بخوانیم حقایق بیشتری را در آنها کشف خواهیم کرد و بیشتر متوجه می شویم که عقاید پیشین ما آمیخته به خطا بوده است."<sup>۲۹</sup> بنابراین، اگر چه بینش های فردی می توانند آموزنده و مفید باشند، اما در عین حال ممکن است گمراه کننده نیز باشند. لذا، یاران باید یاد بگیرند که به آراء و نظرات دیگران گوش فرا دهند بدون آنکه بیش از اندازه مبهور یا متوحش گردند یا اجازه دهند در ایمان آنها خللی وارد شود، و نظرات خود را نیز بیان کنند بدون اینکه بخواهند آنها را به سایر احباء تحمیل نمایند.

امر الهی مانند هر موجود زنده ای، حی، پویا، در حال رشد و توسعه است. بارها با بحران هایی مواجه شده که احباء را متحیر و سرگردان ساخته، اما هر دفعه امر مبارک، که به وسیله مقصد ثابت و تغییر ناپذیر الهی به پیش سوق داده می شود، بر بحران ها غلبه نموده و به مراتب و مراقی مرتفع تری صعود کرده است.

هر قدر ناتوانی ما در درک اسرار و دلالات صعود حضرت شوقی افندی عظیم باشد، جبل متینی که جمیع باید در نهایت اطمینان بدان متشبث باشیم، عهد و میثاق است. لحن مؤکد و پر حرارت الواح وصایای حضرت عبدالبهاء در این زمان، همانند زمان صعود طلعت میثاق، محافظ و صیانت کننده امر الهی است:

مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا به اکثریت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است. مَنْ تَجَاوَزَ عَنْهُ فَهُوَ مِمَّنْ أَحَبَّ الشَّقَاقَ وَأَظْهَرَ النَّفَاقَ وَاعْرَضَ عَنِ رَبِّ المِيثَاقِ...<sup>۳۰</sup>

باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداهما کل مخالف فی ضلال مبین.<sup>۳۱</sup>

بیت العدل اعظم که بنا به بیان حضرت ولی امر الله در نظر نسل های آتیه به عنوان "آخرین ملجأ و ملاذ مدنیته متزلزل و لرزان"<sup>۳۲</sup> تلقی خواهند کرد، هم اکنون، در غیاب ولی امر الله، تنها مؤسسه ای در عالم است که از هدایت مصون از خطا برخوردار و مرجع کل می باشد و مسئولیت تضمین وحدت و پیشرفت امر الهی طبق کلام نازل خداوندی، به عهده آن می باشد. بیاناتی از حضرت مولی الوری و حضرت ولی امر الله وجود دارد که نشان می دهد بیت العدل اعظم، علاوه بر آنکه بالاترین هیأت تشریعیه امر الهی است، هیأتی مرجع کل و "تارک و رأس" نظم اداری بهائی، و نیز "اعلی مقام ممالک متحده بهائی"<sup>۳۳</sup> نیز می باشد. حضرت ولی امر الله در آثار مبارکه خویش وظائفی اساسی مانند تدوین نقشه های تبلیغی جهانی آینده، هدایت امور اداری امر الله، و هدایت، سازماندهی و توحید مساعی امریه در سراسر عالم را برای بیت العدل اعظم بالصراحه تعیین فرموده اند. مضافاً، هیکل مبارک در کتاب "گاد پاسربای" می فرمایند: "کتاب مستطاب اقدس... علاوه بر احکام و قواعد و حدود و فرائضی که نظم بدیع الهی بر آن قائم و مؤسس است، این سفر قویم، وظیفه مقدسه تبیین آیات را که به مرجع منصوص و مبین مخصوص محول گردیده، همچنین مؤسسات ضروریه ای را که حافظ وحدت و جامعیت امر الهی است به صراحت بیان تعیین و تنصیب می نماید.<sup>۳۴</sup> همچنین در توقیع "دور بهائی" مرقوم فرموده اند که فقط اعضاء بیت العدل اعظم "مهابط هدایت و الهامات الهیه اند نه هیئت منتخبین که رأساً یا به طور غیر مستقیم ایشان را انتخاب می نمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهایی این ظهور اعظم است"<sup>۳۵</sup>.

همان طور که بیت العدل اعظم قبلاً اعلام نموده است<sup>۳۶</sup>، نمی تواند قانونی وضع کند که انتصاب جانشینی برای حضرت شوقی افندی را میسر سازد، و نیز نمی تواند به تشریح قوانینی پردازد که انتصاب تعداد بیشتری ایادی امر الله را امکان پذیر نماید<sup>۳۷</sup>، اما باید آنچه در قوه دارد برای تضمین اجرای جمیع آن وظائفی که با این دو مؤسسه قویم و متین در آن مشترک است به کار برد. باید برای اجرای صحیح وظائف صیانت و تبلیغ در آتیه ایام که هیأت های اداری با مؤسسه ولایت امر الله و حضرات ایادی امر الله در آن شریکند، شرایطی را تمهید ببیند؛ باید در غیاب ولی امر الله، طبق بیان حضرت عبدالبهاء که ذیلاً نقل می گردد، حقوق الله را دریافت و هزینه کند، "تصرف در حقوق جزئی

و کَلِّی جائز ولی باذن و اجازة مرجع امر<sup>۳۸</sup>؛ باید در قانون اساسی خود شرایطی را برای اخراج هریک از اعضاء خود که مرتکب گناهی گردد که "در حقّ عموم ضرری حاصل شود"<sup>۳۹</sup>، پیش بینی نماید. بالاتر از همه، باید با ایمان کامل به حضرت بهاء الله، امر مبارکش را اعلان و ابلاغ و احکام و حدودش را تنفیذ نماید تا صلح اعظم در نهایت اتقان در این عالم تأسیس گردد و ایجاد ملکوت الهی بر وجه ارض تحقیق یابد. (ترجمه دستخط مورخ ۲۷ می ۱۹۶۶ خطاب به یکی از احباء، مندرج در صص ۸۱-۹۱ مجموعه پیام‌های بیت العدل اعظم از ۱۹۸۳-۱۹۶۳ موسوم به Wellspring of Guidance)

۴۸. مکتوب اخیر شما، حاوی سؤالاتی که برای جوانانی که به مطالعه توفیق "دور بهائی" پرداخته‌اند ایجاد شده، به دقت مطالعه و ملاحظه گردید. فکر می‌کنیم باید هم در خصوص بیان مشخصی که ذکر کرده اید و نیز بیان دیگری از همان اثر مبارک که مرتبط با آن می‌باشد نظر خود را ابراز داریم، زیرا هر دو مربوط به ارتباط بین ولایت امر الله و بیت العدل اعظم می‌باشد.

فقره اول به وظیفه ولی امر الله مربوط می‌شود که هرگاه معتقد باشد تصمیمی با مفهوم آثار مبارکه و روح آیات منزله مباینت دارد، بر تجدید نظر در آن توسط سایر اعضاء بیت العدل اعظم ابرام و تأکید نماید.<sup>۴۰</sup> فقره دوم به عصمت بیت العدل اعظم بدون ولی امر الله، یعنی این بیان حضرت ولی امر الله مربوط می‌شود که می‌فرمایند، "بدون این مؤسسه (ولایت امر الله)...هدایتی که جهت تعیین حدود و وظائف تقنینیه منتخبین ضروری است سلب می‌شود."<sup>۴۱</sup>

اشاره کرده‌اید که برخی از جوانان متحیر شده‌اند که چگونه می‌توان بیان اول را با بیاناتی مانند آنچه که در الواح وصایا آمده و حضرت عبدالبهاء تأکید می‌فرمایند که بیت العدل اعظم "مصوناً من کلّ خطاء"<sup>۴۲</sup> است، انطباق دهند.

درست همان طور که الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به هیچ وجه با "کتاب اقدس" مباینت و تضادی ندارد، بلکه به بیان حضرت ولی امر الله "مؤید و متمم و ملازم کتاب اقدس است"<sup>۴۳</sup>، آثار و توافیق حضرت ولی امر الله نیز نه با کلام منزله مباینتی دارد و نه با تبیینات حضرت مولی الوری مغایرتی. لذا، در تلاش برای درک آثار مبارکه، ابتدا باید توجه داشت که بین آنها هیچ گونه تضاد واقعی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد و با توجه به این نکته ما می‌توانیم در کمال اطمینان به جستجوی وحدت معانی که در آنها مندمج است بپردازیم.

ولی امر الله و بیت العدل اعظم دارای وظائف و عملکردهای مشترکی هستند و هریک از آنها در حیطه جداگانه و متمایزی نیز فعالیت دارد. همان طور که حضرت شوقی افندی توضیح فرموده‌اند، "...کاملاً واضح و روشن است که ولی امر، مبین آیات الله و بیت العدل اعظم واضح احکام غیر منصوصه

است. تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همان قدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بهاء الله است.<sup>۴۴</sup> ایشان در ادامه بیان مبارک می فرمایند: "هیچیک از این دو نمی تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود. هیچیک در صدد تزییف سُلطه و اختیارات مخصوصه مسلمة دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است، بر نخواهد آمد."<sup>۴۵</sup> تصوّر وجود دو مرکز اقتدار، که به بیان حضرت مولی الوری هر دو "در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی"<sup>۴۶</sup> هستند، و بتوانند با یکدیگر مابینت و مغایرت داشته باشند، مستحیل و محال است زیرا هر دو آنها وسیله یک هدایت الهیه واحد هستند.

بیت العدل اعظم، غیر از وظیفه اش به عنوان واضع قوانین، دارای وظائف کلی تری، یعنی صیانت و اداره امر الله، حلّ مسائل مبهمه و اتخاذ تصمیم در خصوص مواضع موجد اختلاف است. در هیچ جا ذکر نشده است که عصمت بیت العدل اعظم به عضویت ولی امر الله یا حضورش در این هیأت است. محققاً، حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا و نیز حضرت شوقی افندی در توفیق "دور بهائی"، هر دو، بالصراحه اظهار داشته اند که اعضاء منتخب بیت العدل اعظم در حین مشورت مَهَبَط هدایت دائمی الهی هستند. مضافاً حضرت ولی امر الله بنفسه در "نظم جهانی بهائی" تصریح فرموده اند که، "هر یک از اهل بهاء باید بدانند که مؤسسه ولایت امر الله به هیچ وجه اختیاراتی را که حضرت بهاء الله در کتاب اقدس و حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا به بیت العدل اعظم تفویض فرموده اند سلب نمی نماید و به هیچ منوال با مندرجات الواح وصایا و الواح حضرت بهاء الله تضادّی را به وجود نمی آورد و هرگز دستورات مُنزله مبارکه اش را باطل نمی سازد."<sup>۴۷</sup>

در حالی که مسئولیت صریح ولی امر الله عبارت از تبیین کلام الهی است، اما جمیع قوا و حقوق انحصاری ضروری برای ایفای وظیفه به عنوان ولی امر الهی، ریاست عالی و حامی و حافظ اعلاّی آن نیز به ایشان اعطاء شده است. مضافاً، ولی امر الله رئیس لاینعزل و عضو مادام العمر هیأت عالی تشریحیه امر الله است. در مقام ریاست بیت العدل اعظم و عضو هیأت مزبور است که ولی امر الله در جریان تشریح شرکت می کند. اگر بیان ذیل را که موجب مطرح شدن سؤال شما گردیده، به عنوان اشارتی به این آخرین ارتباط ملاحظه گردد، مشاهده خواهید نمود که هیچ تضادّ و تباینی بین آن و سایر متون امری وجود ندارد: "هر چند ولی امر رئیس لاینعزل این مجلس فخیم است، معهدا نمی تواند بنفسه حتی به طور موقت واضع قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اعضای مجلس را الغاء نماید. ولیکن هرگاه تصمیمی را وجداناً مابین با روح آیات مُنزله تشخیص دهد باید ابرام و تأکید در تجدید نظر آن نماید."<sup>۴۸</sup>

اگرچه ولیّ امرالله، در رابطه با سایر اعضاء بیت العدل اعظم، نمی تواند تصمیمات اکثریت را لغو کند، غیر قابل درک است که سایر اعضاء هرگونه اعتراضی را که ولیّ امرالله در جریان مشاوره یا تصویب قانون، مابین با آنچه که او انطباق با روح امر می داند، مطرح نماید نشنیده بگیرند و به آن اعتنا ننمایند. مع کلّ ذلك، قضاوت نهایی بیت العدل اعظم است که مصون از خطا اعلام می شود، نه نظراتی که در طی جریان وضع قانون اظهار و ابراز می گردد.

بنابراین، می توان مشاهده کرد که تضادی بین بیانات حضرت مولی الوری در خصوص هدایت دائمی الهی که بیت العدل اعظم بدان موهوب گشته و بیان فوق که از تویع "دور بهائی" نقل شده، وجود ندارد.

اگر احبّاء از بعضی از جریاناتی که بیت العدل اعظم در حین وضع قانون طی می کند آگاهی یابند، شاید به درک آنها نسبت به این ارتباط مساعدتی بنماید. البتّه، ابتدا بیت العدل اعظم نهایت دقّت را در مطالعه نصوص مبارکه و تبیینات حضرت ولیّ امرالله و ملاحظه نظرات جمیع اعضاء مبذول می دارد. بعد از مشاوره طولانی، جریان پیش نویس بیانیه ای به مورد اجرا گذاشته می شود. در طیّ این جریان، کلّ موضوع کاملاً ممکن است مورد تجدید نظر واقع شود. در نتیجه چنین تجدید نظری، قضاوت نهایی ممکن است به نحو بارزی با استنتاجی که قبلاً شده بود متفاوت باشد، یا احتمالاً اتخاذ تصمیم شود که در آن زمان در آن خصوص ابداً قانونی وضع نگردد. می توان دریافت که اگر حضرت ولیّ امرالله در قید حیات بودند در طیّ چنین جریانی به نظرات ایشان چه توجّه عظیمی مبذول می شد.

در ملاحظه فقره دوم، ما باید يك مرتبه دیگر به این اصل متمسک باشیم که تعالیم مبارکه با یکدیگر مباینّت ندارند.

در آثار مبارکه ولیّ امرهای آینده به وضوح پیش بینی و به آنها اشاره شده است، اما در هیچ جا وعده داده نشده و تضمین نگردیده که سلسله ولّاء امرالله الی الابد پایدار خواهد ماند، بر عکس اشاره واضحی وجود دارد که این سلسله ممکن است منقطع شود. با این همه، علیرغم آن، در آثار مبارکه بر آسیب ناپذیری میثاق الهی و ثبوت و تغییر ناپذیری هدف و مقصد خداوند برای این یوم مکرراً تأکید شده است.

یکی از جالب ترین بیاناتی که احتمال چنین انقطاعی در سلسله ولّاء امرالله را پیش بینی کرده در نفس کتاب مستطاب اقدس است:

قد رجعتِ الاوقاف المختصة للخيرات الى الله مُظهر الآيات. ليس لاحد أن يتصرف فيها  
 الا بعد اذن مطلع الوحي ومن بعده يرجع الحكم الى الأغصان ومن بعدهم الى بيت  
 العدل إن تحقق امره في البلاد ليصرفوها في البقاع المرتفعة في هذا الامر وفيما أمروا به  
 من لدن مقتدر قدير و الا تُرجع الى اهل البهاء الذين لا يتكلمون الا بعد اذنه ولا  
 يحكمون الا بما حكم الله في هذا اللوح اولئك اولياء النصير بين السموات والارضين  
 ليصرفوها فيما حدّد في الكتاب من لدن عزيز كريم.<sup>٤٩</sup>

صعود حضرت شوقی افندی در سال ۱۹۵۷ وضعیتی را که در این بیان پیش بینی شده است  
 تسریع نمود، یعنی سلسله اغصان قبل از انتخاب بیت العدل اعظم به انتها رسید. اگر چه، همانطور که  
 مشاهده می شود، اختتام سلسله اغصان در مرحله ای پیش بینی شده بود، اما ما هرگز نباید لطمه  
 سنگین و وحیمی را که امر مبارک متحمل شد قلیل شماریم. اما، هدف خداوند برای نوع بشر همچنان  
 لایتغیر و میثاق قویم و متین حضرت بهاء الله شکست ناپذیر باقی می ماند. آیا حضرت بهاء الله قاطعانه  
 نفرموده اند که، "ید قدرت الهیه این امر نازنین را بر اساس متین و محکم استوار فرموده که طوفان  
 انقلابات عالم کون بنیان آن را هرگز منهدم ننماید و اوهام بشر آن را متزلزل نسازد؟"<sup>۵۰</sup> در حالی که  
 حضرت عبدالبهاء تأیید می فرمایند، "فی الحقیقه، یفعل ما یشاء، هیچ چیز نمی تواند میثاقش را متزلزل  
 سازد، هیچ چیز نمی تواند مانع از نزول الطافش گردد یا با امرش مخالفت کند."<sup>۵۱</sup> همه چیز در معرض  
 فساد و تباهی است به جز میثاق پروردگارت که همچنان محیط بر جمیع ارجاء خواهد بود"<sup>۵۲</sup>  
 "امتحانات هر امری به قدر عظمت آن امر است. چون تا به حال چنین میثاقی صریح به قلم اعلی وقوع  
 نیافته لهذا امتحانات نیز عظیم است... این شبهات نقض مانند کف دریاست... این کف های دریا بقائی  
 ندارند عنقریب محو و نابود گردد ولی دریای میثاق الی الابد پر موج است و در جوش و خروش..."<sup>۵۳</sup> و  
 حضرت شوقی افندی به وضوح فرموده اند، "صخره ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیت  
 ثابتة الهیه برای عالم انسانی در عصر حاضر است"<sup>۵۴</sup>. "...این گوهر الهی که هنوز در عالم جنین است  
 البتة در صدف تعالیم و احکامش نشو و نما خواهد جست و صحیح و سالم رشد و نمو خواهد کرد و  
 عالم انسانی را در آغوش خویش محافظت خواهد نمود"<sup>۵۵</sup>.

در امر بهائی دو مرکز اقتدار و اختیار تعیین شده که مرجع کلّ احباء هستند، زیرا فی الحقیقه  
 مبین کلام الهی ضمیمه ای از مرکز مزبور می باشد که نفس کلمة الله است. کتاب الهی عبارت از ثبت و  
 ضبط بیان حضرت بهاء الله است، در حالی که مبین ملهم به الهام الهی لسان حیّ کتاب الله است؛ تنها  
 او است که می تواند به نحوی موثق و معتبر معانی کتاب الهی را بیان نماید. به این ترتیب يك مرکز  
 عبارت از کتاب الهی و مبین آن است، و دیگری عبارت از بیت العدل اعظم است که توسط خداوند

هدایت می شود که در مورد هر آنچه که در کتاب الهی بالصرّاحه نازل نشده تصمیم گیری نماید. این الگوی مراکز و ارتباط آنها در هر مرحله از ظهور و بروز امر الله مشهود است. حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس به آحاد مؤمنین می فرماید که بعد از صعود آن طلعت مبارک به کتاب الهی و "من أراد الله الذی انشعب من هذا الاصل القديم"<sup>۶۶</sup> توجه نمایند. هیکل مبارک در کتاب عهد این نکته را توضیح می فرماید که این بیان اشاره به حضرت عبدالبهاء است. حضرت بهاء الله در کتاب اقدس مؤسسه بیت العدل اعظم را نیز مقرر و قوایی را که این مؤسسه برای اجرای وظائف معینه نیاز دارد به آن عنایت می فرماید. حضرت مولی الوری در الواح مبارکه وصایا صریحاً مؤسسه ولایت را، که بنا به بیان حضرت شوقی افندی به وضوح در آیات کتاب اقدس پیش بینی شده، تأسیس می فرماید، اقتدار و اختیارات بیت العدل اعظم را مورد تأیید مجدد قرار داده شرح می دهند و دیگر بار احباء را به کتاب الهی ارجاع می دهند: "مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت العدل عمومی"<sup>۶۷</sup> و در انتهای الواح وصایا می فرماید: "باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداها کل مخالف فی ضلال مبین"<sup>۶۸</sup>.

از آنجا که حیطة اختیارات بیت العدل اعظم در مواضع تشریح به هر آنچه که صریحاً در نصوص مبارکه نازل نشده، گسترش می یابد، این نکته بدیهی است که نفس کتاب الهی بالاترین مقام مختار و مقتدر است و حیطة اقدام بیت العدل را تعیین می فرماید. همچنین، مبین کتاب الله نیز باید دارای اختیار جهت تعریف حیطة اقدام تشریحی و تقنینی نمایندگان منتخب امر الله باشد. آثار حضرت ولی امر الله و توصیه هایی که ایشان در طول سی و شش سال ولایت خود عنایت فرموده اند راهی را نشان می دهد که ایشان وظیفه مزبور را در رابطه با بیت العدل اعظم و نیز محافل روحانی ملی و محلی انجام دادند.

این حقیقت که ولی امر الله دارای اختیار و اقتدار جهت تعریف حیطة اقدام تشریحی و تقنینی بیت العدل اعظم می باشد این نتیجه قهری را به دنبال ندارد که بدون چنین هدایتی بیت العدل اعظم ممکن است از محدوده اختیارات صحیح خود تجاوز نماید و منحرف شود؛ چنین استنتاجی با جمیع نصوص دیگر که به عصمت آن اشاره دارد و به طور اخص با تصریح نفس حضرت ولی امر الله که بیت العدل اعظم هرگز نمی تواند به حیطة مقدّس و مجاز ولایت تجاوز کند و تعدی نخواهد کرد، مبیّن خواهد داشت. اما باید به خاطر سپرد که اگر چه محافل روحانی ملی و محلی، اگر به روش و با روحی که حضرت عبدالبهاء توصیف فرموده اند به مشورت پردازند، می توانند از هدایت الهیه برخوردار شوند، اما آنها از عصمت موهوبه بیت العدل اعظم که صریحاً تضمین شده برخوردار نیستند. هر محقق دقیق امر مبارک می تواند مشاهده کند که حضرت ولی امر الله بعد از صعود حضرت عبدالبهاء،



با چه دقتی این نمایندگان منتخب احباء را در ارتفاع پیگیر نظام اداری و در تدوین اساسنامه‌های محافل روحانی ملی و محلی هدایت فرمودند.

امیدواریم که این توضیحات در درك واضح تر این روابط به یاران مساعدت نماید، اما همه باید به خاطر داشته باشیم که ما به ابتدای نظامی که حضرت بهاءالله مقرر و مقدر فرموده‌اند نزدیک تر از آن هستیم که بتوانیم به طور کامل قوای مکنونه در آن یا روابط داخلی اجزاء متشکله آن را درك کنیم. همانطور که منشی حضرت شوقی افندی در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۳۰ از طرف هیکل مبارک خطاب به یکی از احباء مرقوم داشت، "درک محتوای الواح وصایای حضرت مولی الوری برای نسل کنونی بسیار مشکل است. کشف کنوز حکمت مکنون در آن نیازمند حدافل يك قرن فعالیت واقعی است..."<sup>۵۹</sup> (کلّ مطلب شماره ۴۹ برگرفته شده است از دستخط مورخ ۷ دسامبر ۱۹۶۹ خطاب به یکی از احباء مندرج در Messages from the universal House of Justice 1968-1973 صفحات ۴۴-۳۷)

# ترجمه ای از سند ولایت امرالله و بیت العدل اعظم دو جانشین لاینفک حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء

موادّی برای مطالعه اعضای هیأت های معاونت

تهیه شده توسط دارالتبلیغ بین المللی

بازبینی: ژانویه ۲۰۰۷

## پیشگفتار

ولایت امرالله و بیت العدل اعظم دو جانشین لاینفک حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء می باشند. به فرموده حضرت ولی امرالله، حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء "با بیانی صریح و قاطع مؤسسه لاینفک بیت العدل اعظم و ولایت امرالله را به عنوان جانشینان منتخب خویش معین فرموده اند." حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای خود، عهد و میثاق حضرت بهاءالله را با انتصاب حضرت ولی امرالله تداوم بخشیده و اختیارات بیت العدل اعظم را تأیید فرمودند، و اطمینان دادند که هر دو مصون از خطا و در تحت هدایت حضرت ربّ اعلی و جمال اقدس ابھی خواهند بود. حضرت عبدالبهاء به کسانی که به این دو مؤسسه روی آورند نوید عنایات و برکات داده و کسانی را که با ایشان مخالفت ورزند انذار فرمودند. این مطالعه مختصر که در دو قسمت و به صورت سؤال و جواب تنظیم شده، تفحصی است در قسمت هایی از آثار مبارکه که اختیارات و وظایف مؤسسات ولایت امرالله و بیت العدل اعظم را تعیین کرده و روابطشان را مورد بررسی قرار می دهد.

## مؤسسه ولایت امر الله

### منشأ اختیارات مؤسسه ولایت امر الله چیست؟

حضرت ولی امر الله مرقوم داشته‌اند که بر طبق مفاد بعضی از نصوص کتاب مستطاب اقدس، حضرت بهاء الله "دقیقاً مؤسسه ولایت امر را پیش‌بینی فرموده‌اند."<sup>۶۱</sup> ولیکن حضرت عبدالبهاء بودند که صراحتاً مؤسسه ولایت امر را تأسیس نموده، حضرت شوقی افندی را به عنوان ولی امر الله تعیین، و احباً را به توجه به سوی ایشان امر فرمودند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

بعد از مفقودی این مظلوم... باید توجه به... شوقی افندی نمایند زیرا آیت الله و غصن ممتاز و ولی امر الله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله و احبباء الله است و مبین آیات الله...<sup>۶۲</sup>

فرع مقدس و ولی امر الله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست آنچه قرار دهند من عند الله است.<sup>۶۳</sup>

### فرق بین تبیینات مبین منصوص و تعبیرات شخصی چیست؟

با توجه به وظیفه حضرت ولی امر الله به عنوان مبین منصوص تعالیم بهائی، ممکن است این سؤال پیش بیاید که آیا جایی برای مفهومات شخصی افراد وجود دارد؟ بیت العدل اعظم به این سؤال پاسخ داده‌اند:

تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امر الله بیاناتی هستند که به هدایت الهی مفاهیم کلمات حق را روشن می‌سازند و بدین جهت اطاعت از آنها بر احباً واجب است. ولی وجود تبیینات منصوصه به هیچ وجه مانع انجام مطالعات شخصی در تعالیم مبارکه و رسیدن به تعبیر و درک خصوصی برای افراد نیست. در حقیقت حضرت بهاء الله از مؤمنین دعوت می‌نمایند تا با "اغتماس" در "بحر بیان" ایشان از "الثالی حکمت و اسرار" نهفته در آن "اطلاع" یابند.

تعبیرات فردی بر اساس درک شخصی از تعالیم مبارکه، ثمره قدرت عقلانی انسان بوده و چه بسا ممکن است به درک کامل‌تر امر مبارک کمک نماید. اما چنین نظراتی فاقد مرجعیت بوده و بنابراین احباً آزادند آنها را قبول کرده یا نادیده بگیرند. به علاوه روشی که یک فرد برای ارائه نظرات خود اختیار می‌نماید مهم می‌باشد. مثلاً هرگز نباید تبیینات

منصوصه را رد کرده و یا با آنها به مخالفت بپردازد. بلکه باید عقائد خود را به عنوان کمک به آگاهی بیشتر، با توضیح آنکه صرفاً نظرات شخصی اوست، ارائه نماید.<sup>۶۴</sup>

حضرت عبدالبهاء برای انتصاب ولی امر الله بعد از حضرت شوقی افندی چه شرایطی معین فرمودند؟

## ۱. باید موروثی باشد

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا با بیان "و من بعده بکراً بعد بکر یعنی در سلاله او"<sup>۶۵</sup> "ولایت امر [را] تأسیس و کیفیت موروثی"<sup>۶۶</sup> آن را تعیین می فرمایند.

در موارد متعدد، از جمله دو مورد زیر، حضرت ولی امر الله کیفیت موروثی ولایت امر را به نحو قاطع بیان فرموده اند:

در توضیحی که حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارک خود و در تأکیدی که راجع به اصل وراثت و قانون ولد بکر فرموده اند - به همان نحوی که توسط پیغمبران گذشته تأیید شده بود- می توانیم اولین نشانه های ماهیت و طرز کار نظم اداری را که مقدر شده بود الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بعداً اعلام و رسماً تأسیس نماید تشخیص دهیم.<sup>۶۷</sup>

علاوه بر آن، شخصی که مظهر اصل وراثت در این دور بهائی می باشد مبین کلمات مؤسس آن دیانت تعیین شده است.<sup>۶۸</sup>

## ۲. باید از سلاله ذکور حضرت بهاء الله باشد

بر طبق اصل وراثت، الواح وصایای حضرت عبدالبهاء تصریح می نماید که ولی امر الله باید از سلاله مستقیم حضرت بهاء الله باشد. حضرت عبدالبهاء چنین مرقوم فرمودند:

لهذا اگر ولد بکر ولی امر الله مظهر الولد سرّیه نباشد یعنی از عنصر روحانی او نه و شرف اعراق با حسن اخلاق مجتمع نیست باید غصن دیگر را انتخاب نماید.<sup>۶۹</sup>

کلمات "ولد بکر ولی امر الله" و "غصن دیگر" نشان می دهد که حضرت ولی امر الله باید یا فرزند ذکور ارشد خود و اگر او فاقد صلاحیت باشد یکی دیگر از سلاله ذکور حضرت بهاء الله را انتخاب نماید. این توضیح با بیان حضرت ولی امر الله که غصن به معنای "ساله ذکور حضرت بهاء الله" است مطابقت دارد.<sup>۷۰</sup>

اما، حضرت ولیّ امرالله فرزندی نداشتند و در زمان صعودشان "همه اغصانی که حیات داشتند عهد و میثاق الهی را نقض کرده بودند."<sup>۷۱</sup>

### ۳. باید منتخب حضرت شوقی افندی باشد

حضرت عبدالبهاء با این بیان به صراحت مقرر فرمودند که ولیّ امر بعدی باید توسط حضرت شوقی افندی انتخاب گردد:

باید ولیّ امرالله در زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید...<sup>۷۲</sup>

حضرت عبدالبهاء با تأکید بر این شرط بخصوص، امکان اینکه کسی ادّعی ولایت امرالله بنماید را قاطعانه رد نمودند:

مقصود اینست که قبل از الف کسی سزاوار تکلم به حرفی نیست ولو مقام ولایت باشد.<sup>۷۳</sup>

### ۴. نه ایادی منتخب از بین کلیّه ایادی امرالله باید این انتصاب را تصدیق نمایند

شرط اینکه ایادی امرالله باید شخص منتصب از طرف حضرت ولیّ امرالله را تصدیق نمایند شرطی برای حفظ و صیانت امر مبارک بود و بعد از صعود حضرت شوقی افندی هیئت ایادی را قادر ساخت که تلاشی را که برای غصب مقام ولایت امرالله به عمل آمده بود دفع نمایند. حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا چنین فرمودند:

ایادی امرالله از نفس جمعیت خویش نه نفر انتخاب نمایند و همیشه به خدمات مهمّه ولیّ امرالله مشغول باشند و انتخاب این نه نفر یا به اتفاق مجمع ایادی و یا به اکثریت آرا تحقق یابد و این نه نفر یا بالاتفاق یا به اکثریت آرا باید غصن منتخب را که ولیّ امرالله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند.<sup>۷۴</sup>

در نامه‌ای از بیت العدل اعظم راجع به تصمیم کلیّه ایادی امرالله بعد از صعود حضرت ولیّ امرالله به این اصل اشاره شده است:

قرار بود نه نفر ایادی که به وسیله هیئت ایادی انتخاب می‌شدند، با رأی مخفی شخص منتخب حضرت ولیّ امرالله را تصدیق نمایند. در سال ۱۹۵۷ تمامی هیأت ایادی، بعد از تحقیق کامل درباره موضوع، اعلام نمودند که حضرت ولیّ امرالله جانشینی انتخاب نموده و وصیت نامه‌ای از خود بجای نگذاشته‌اند. این موضوع مستند و محرز می‌باشد.<sup>۷۵</sup>

## ۵. باید دارای "حسن اخلاق" باشد

در مورد این شرط که سلاله شریفه جانشین ولی امر الله باید "با حسن اخلاق مجتمع" <sup>۷۶</sup> باشد، حضرت عبدالبهاء چنین فرمودند:

شخص معین باید مظهر تقدیس و تنزیه و تقوای الهی و علم و فضل و کمال باشد. <sup>۷۷</sup>

### بعد از صعود حضرت ولی امر الله موضوع جانشینی ایشان چه شد؟

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای مبارکه خویش می فرمایند که "باید ولی امر الله در زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد." <sup>۱۹</sup> بر اساس این بیان مبارک ممکن است این سؤال پیش بیاید که چرا حضرت ولی امر الله جانشینی برای خود انتخاب نفرمودند و چرا سلاله ولایه امر الله به پایان رسید؟ بیت العدل اعظم چنین توضیح فرموده اند:

در هنگام صعود حضرت شوقی افندی محبوب ما، از وضع موجود و از شرایط صریحه آثار مقدسه واضح بود که برای حضرت ولی امر الله امکان انتخاب جانشینی بر طبق شرایط مقرر در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء وجود نداشته است. این وضعیتی است، که در آن حضرت ولی امر الله صعود فرمودند بدون آنکه بتوانند جانشینی تعیین نمایند، مسئله مبهمی را مطرح می کرد که در نصوص مبارکه مذکور نبود و می بایست به بیت العدل اعظم ارجاع می گردید. احباً باید به روشنی درک نمایند که قبل از انتخاب بیت العدل اعظم علم به اینکه ولی امری نخواهد بود وجود نداشت. چنین آگاهی، علی رغم هر نوع فکری که احباً حیانا در ذهن شان می پروراندند، نمی توانست از پیش وجود داشته باشد. نه ایادی امر الله، نه شورای بین المللی بهائی و نه هیچ مؤسسه موجود دیگری نمی توانست تصمیمی در مورد این مسئله بسیار مهم اتخاذ نماید. فقط بیت العدل اعظم صلاحیت و اختیار این را داشت که در این مورد حکمی صادر نماید. <sup>۲۰</sup>

بعد از تأسیس بیت العدل اعظم، طولی نکشید که معهد اعلی این مسئله را در پیامی به تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۶۳ خطاب به کلیه محافل روحانی ملی مسئله را روشن فرمودند:

بعد از مطالعه متبتلانه و دقیق در آثار مقدسه راجع به مسئله انتخاب جانشین حضرت شوقی افندی به عنوان ولی امر الله، و بعد از ملاحظه طولانی آرای ایادی امر الله مقیم ارض اقدس، بیت العدل اعظم باین نتیجه رسیده است که هیچ راهی برای انتخاب و یا

قانون‌گذاری برای امکان انتخاب ولیّ امر ثانی برای جانشینی حضرت شوقی افندی وجود ندارد.<sup>۲۱</sup>

### آیا پیش‌بینی شده بود که ولیّ امر دیگری نخواهد بود؟

بیت العدل اعظم در دستخط‌های خود راجع به مسئله ولایة امر الله توضیح داده‌اند که ضمانتی برای ادامه سلاله ولایة امر الله وجود نداشت:

امکان وجود ولایة امر الله دیگری در آینده به وضوح در آثار مقدسه منظور و مذکور شده است ولی در هیچ جا قول و یا ضمانتی راجع به اینکه سلاله ولایة امر الله تا ابد ادامه خواهد یافت وجود ندارد، بر عکس اشارات روشنی دالّ بر اینکه این سلاله می‌تواند قطع شود وجود دارد. اما با وجود این، در آثار مبارکه تأکید بر تداوم عهد و میثاق و تغییرناپذیری اراده الهی برای این یوم عظیم مکرراً دیده می‌شود.<sup>۲۲</sup>

به راستی حضرت بهاء‌الله در کتاب مستطاب اقدس با نزول آیات زیر دقیقاً آنچه را که در مورد جانشینی مقام تصدّی امر الهی اتفاق افتاد پیش‌بینی فرموده‌اند:

قد رجعت الاوقاف المختصّه للخیرات الی الله مظهر الایات لیس لاحد ان یتصرّف فیها الا بعد اذن مطلع الوحی و من بعده یرجع الحکم الی الاغصان و من بعدهم الی بیت العدل ان تحقّق امره فی البلاد لیصرفوها فی البقاع المرتفعه فی هذا الامر و فیما امروا به من لدن مقتدر قدیر و الا ترجع الی اهل البهائ الذین لا یتکلمون الا بعد اذنه و لا یحکمون الا بما حکم الله فی هذا اللوح اولئک اولیاء التّصرّ بین السّموات و الارضین لیصرفوها فیما حدّد فی الكتاب من لدن عزیز کریم.<sup>۲۳</sup>

در یادداشت‌های توضیحی کتاب مستطاب اقدس، که تحت نظارت بیت العدل اعظم تهیه شده، اشاره شده است که این آیات "... نه تنها در مورد حقّ تصرّف در اوقاف بلکه در مورد حقّ وصایت بعد از صعود جمال اقدس ابهی... و حضرت عبدالبهائ هم مقتضیات خاصی را در بردارد."<sup>۲۴</sup> در رابطه با این فقره از کتاب مستطاب اقدس بیت العدل اعظم همچنین مرقوم داشته‌اند:

صعود حضرت ولیّ امر الله در سنه ۱۹۵۷ عیناً همان وضعی را به وجود آورد که در این فقره از کتاب مستطاب اقدس به آن اشاره گردیده، یعنی قبل از تشکیل بیت العدل اعظم سلاله اغصان به انتها رسید.<sup>۲۵</sup>

## بیت العدل اعظم

### منشأ مرجعیت بیت العدل اعظم چیست؟

حضرت بهاءالله بنفسه بیت العدل اعظم را تأسیس فرمودند تا امر الله دائماً از هدایت الهی برخوردار باشد و آنچه در آثار مقدسه نازل نشده مورد ملاحظه و تشریح قرار گیرد. امور عالم انسانی را به اعضای بیت العدل اعظم محول فرمودند و ایشان را امنای حق و مظاهر اقتدار خود قرار دادند:

آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند  
آنچه را پسندیدند مجری دارند.<sup>۲۶</sup>

أمر ملّت معلق است به رجال بیت عدل الهی ایشانند امناء الله بین عباده و مطالع الامر فی  
بلادہ.<sup>۸۶</sup>

در مقام دیگر جمال قدم توضیح فرموده‌اند که چون دنیا در حال توسعه است مقتضیات آن نیز تغییر می‌نماید و بنابراین آنچه که در هر دوره مورد نیاز است از طرف بیت العدل مقرر خواهد شد:

چونکه هر روز را امری و هر حین را حکمی مقتضی لذا امور به بیت عدل راجع تا آنچه را  
مصلحت وقت دانند معمول دارند.<sup>۸۷</sup>

به همین نحو حضرت عبدالبهاء در چند مورد در الواح وصایای مبارکه خود مرجعیت بیت العدل اعظم را تأیید و وظایف و مسئولیت‌هایش را مقرر داشته‌اند:

أما بیت عدل الذی جعله الله مصدر کلّ خیر و مصوناً من کلّ خطا... این مجمع مرجع کلّ  
امور است و مؤسس قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشکله  
در این مجلس حلّ گردد و ولیّ امر الله رئیس مقدس این مجلس و عضو اعظم ممتاز  
لا ینعزل.<sup>۸۸</sup>

هرچه تقرّر یابد همان مانند نصّ است.<sup>۸۹</sup>

...چون بیت عدل واضع قوانین غیر منصوصه از معاملات است ناسخ آن مسائل نیز تواند  
بود.<sup>۹۰</sup>



حضرت عبدالبهاء بعد از این فقرات در الواح وصایا به لسان قاطع از مؤمنین خواسته‌اند که دو جانشین لاینفک آن حضرت را اطاعت کنند:

باید کلّ اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عدا هما کلّ مخالف فی ضلال  
مبین.<sup>۹۱</sup>

حضرت ولی‌امرالله بیت العدل اعظم را به عنوان "هیئتی که جهت 'تکمیل' و 'اجرای' قوانین حضرت بهاءالله مقرر گردیده است" <sup>۹۲</sup> توصیف می‌فرمایند. با این ترتیب نه تنها قدرت وضع قوانین در مواردی که در نصوص بیان نشده - یعنی "تکمیل" - به بیت العدل تفویض شده، بلکه به همچنین قدرت "اجرای" قوانینی که حضرت بهاءالله صریحاً نازل فرموده‌اند نیز به آن واگذار گردیده است.

### وعود شمول هدایت الهی به بیت العدل اعظم کدامست؟

مثال‌های بسیاری از بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء می‌توان یافت که در آن وعده الهام الهی، هدایت و صیانت به بیت العدل اعظم داده شده است. بعضی از این نصوص عبارتند از:

انه يلهمهم [امنای بیت العدل اعظم] ما يشاء وهو المدبر العليم.<sup>۹۳</sup>

فرع مقدّس و ولی‌امرالله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست آنچه قرار دهند من عند الله است.<sup>۹۴</sup>

مرجع کلّ کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی. بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باکثرت آراء تحقّق یابد همان حق و مرادالله است من تجاوز عنه فهو ممن احبّ الشقاق و اظهرالنفاق و اعرض عن رب الميثاق ولی مراد بیت‌العدل عمومیست...<sup>۹۵</sup>

همچو ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر و رأی خویش قراری دهند استغفرالله بیت العدل اعظم به الهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت و قایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتّباعش فرض و مسلّم و واجب برکلّ است ابدأ مغری از برای نفسی نه.

قل يا قوم انّ بيت العدل الأعظم تحت جناح ربكم الرحمن الرحيم اى صونه و حمايته و حفظه و كلائته لأنّه امر المؤمنين الموقنين باطاعة تلك العصبه الطّيبه الطّاهرة و الثّلة المقدسه القاهرة فسلطنتها ملكوتيه رحمانيه و احكامها الهاميه روحانيه.<sup>۹۶</sup>

اکثريت آرا آنچه بيان کند صرف حقيقت است زيرا بيت عدل اعظم در تحت حمايت و عصمت و عفت سلطان احديتست و او را صيانت از خطا فرمايد و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظه نمايد هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود.<sup>۹۷</sup>

### بعضی از اختیارات اصلی بیت العدل اعظم کدامند؟

در قانون اساسی بیت العدل اعظم که مسئولیت‌های بیت العدل اعظم را به طور خلاصه شرح می‌دهد، چنین آمده است:

حضرت بهاءالله مصدر وحی الهی در این دور افخم و مطلع امر و منشأ عدل و رافع صلح اعظم و بانی نظم بدیع در انجمن بنی آدم و منبع الهام و واضع اساس مدنیت الهیه در عالم و مؤلف قلوب و محیی امم و داور کردگار و شارع امر پروردگار استقرار ملکوت الله را در بسط غبرا اعلان و حدود و احکامش را نازل و اصولش را معین و مؤسساتش را ایجاد فرمود و برای آنکه قوای قدسیه منبعثه از ظهور اعظمش از مجرای صحیح و در جهت مقصود هم چنان سریان و جریان یابد اساس عهد و میثاق متینی را بنیاد نهاد که قوه دافعه‌اش متتابعاً در دوره مرکز میثاق و دوره ولایت امر نیر آفاق ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیه امر مبینش بوده و باعث ترقی و تقدّم جهانگیر آئین نازینش گردیده است.<sup>۹۸</sup>

بعضی از اختیارات و وظایف بیت العدل اعظم به عنوان مرجع دیانت بهائی عبارتند از:

#### ۱. وضع قوانین جدید

... هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی...<sup>۹۹</sup>

مسائل کلیه که اساس شریعه الله است منصوص است ولی متفرعات راجع به بیت عدل و حکمت این است که زمان بر یک منوال نماند تغییر و تبدل از خصائص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت العدل به مقتضای این مجری می‌نمایند.<sup>۱۰۰</sup>

#### ۲. استنباط از آثار مبارکه

حال استنباط راجع به هیئت بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه مگر آنکه در تحت تصدیق بیت العدل در آید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق هیئت بیت العدل که اعضایش منتخب و مسلم عموم ملت است اختلاف حاصل نمی‌گردد ولی از استنباط افراد علما حکماً اختلاف حاصل شود و باعث تفریق و تشتت و تبعیض گردد و وحدت کلمه بر هم خورد و اتحاد دین الله مضمحل شود و بنیان شریعة الله متزلزل گردد.<sup>۱۰۱</sup>

### ۳. حلّ مشکلات و مسائل مبهمه

و آن اعضاء در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند و هر چه تقرّر یابد همان مانند نصّ است.<sup>۱۰۲</sup>

### ۴. جلوگیری از اختلافات و حلّ مشکلات

الحمد لله در امر مبارك جميع اين ابواب مسدود است زیرا مرجع مخصوص تعیین شده است که ان مرجع مخصوص حلال جميع مشکلات است و دافع جميع اختلاف و همچنین بیت العدل عمومی دافع جميع اختلاف است آنچه بیت العدل بگوید قبول و هر نفسی مخالفت نماید مردود، ولی هنوز بیت العدل عمومی که شارعست تاسیس نشده است.<sup>۱۰۳</sup>

مگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت العدل اعظم فوراً حلّ مشکلات فرماید.<sup>۱۰۴</sup>

### ۵. توضیح و تشریح مسائل

...در مورد ماهیت و حوزه اختیارات محکمه کبرای بین المللی، این مسئله و مسائل مشابه باید به وسیله بیت العدل اعظم توضیح و تشریح گردد زیرا بر وفق دستورات مصرحه حضرت عبدالبهاء همه مسائل مهم و اساسی راجع به آن مرجع است.<sup>۱۰۵</sup>

### ۶. حفظ رفاه اهل عالم

رجال بیت العدل را وصیت می‌نماییم و به صیانت و حفظ عباد و اماء و اطفال امر می‌فرماییم باید در جميع احوال به مصالح عباد ناظر باشند.<sup>۱۰۶</sup>

وظایف و اختیارات مختصه بیت العدل اعظم: ... از جمله... حفظ حقوق شخصی و تأمین ابتکار و آزادی افراد است و حفظ ناموس نفوس و تحکیم ممالک و تعمیر بلاد.<sup>۱۰۷</sup>

## ۷. شروع و مدیریت نقشه‌های جهانی امرالله

موفقیت این مشروع که از نظر وسعت عمل بی سابقه، از نظر ماهیت بی نظیر و از نظر امکانات روحانیش عظیم است، شرطی است که شروع اقداماتی که در سال‌های بعدی عصر تکوین انجام خواهد شد و تمام محافل روحانی ملی در سراسر عالم بهائی را در بر خواهد گرفت، به آن بستگی دارد؛ اقداماتی که خود مقدمه شروع مشروعاتی جهانی در عهد آینده همان عصر توسط بیت العدل اعظم است و نشانه‌ای از اتحاد و هم‌آهنگی محافل ملی و اقدامات آنها خواهد بود.<sup>۱۰۸</sup>

## ۸. حفظ و صیانت دین الهی

دین الهی... اوست سبب اعظم از برای این عطیه کبری کأس زندگانی بخشد و حیات باقیه عطا فرماید و نعمت سرمدیه مبذول دارد رؤسای ارض مخصوص امنای بیت عدل الهی در صیانت این مقام و علو و حفظ آن جهد بلیغ مبذول دارند.<sup>۱۰۹</sup>

## آیا بیت العدل اعظم می‌تواند مؤسسات جدید ایجاد نماید؟

در نامه‌ای از حضرت ولی امرالله خطاب به احبای شرق و غرب در سال ۱۹۲۴، هیکل مبارک مرحله‌ای را که در آن بیت العدل اعظم تأسیس شده و مسئولیت‌های خود را به عهده خواهد گرفت پیش‌بینی فرمودند:

چون بیت عدل عمومی از حیث آمال به حیث شهود و عمل قدم نهد و صیتش در کل اکناف و اقالیم مرتفع و مشتهر گردد آنوقت این هیئت مجلله که بر اساس متین و رزین تمام ملت بهائی در شرق و غرب مستند و مؤسس است و از الهامات الهیه مستمد و مستفیض به وضع و اجرای مشروعاتی متقنه و اقداماتی کلیه و تأسیساتی باهره پردازد و به این واسطه امرالله صیتش جهانگیر و نورش عالم افروز شود.<sup>۱۱۰</sup>

## آیا مصون از خطا بودن بیت العدل اعظم وابسته به حضور ولی امرالله است؟

اندک زمانی بعد از تأسیس بیت العدل اعظم آن هیئت مسائل چندی را راجع به رابطه بین بیت العدل اعظم و مؤسسه ولایت امر روشن فرمودند. یکی از این مسائل در باره مصون از خطا بودن بیت العدل اعظم در غیاب یک ولی امر الله است:

مصون از خطا بودن بیت العدل اعظم که در حوزه اختیارات مقررۀ خود عمل می نماید، مشروط به حضور ولی امر الله در بین اعضای آن نگردیده است. اگرچه در حوزه تبیین و تفسیر نظرات حضرت ولی امر الله لازم الاجرا هستند ولی در مورد شرکت ولی امر الله در تشریح قوانین، همیشه تصمیم نهائی با بیت العدل اعظم است. بیانات حضرت ولی امر الله این مسئله را تأیید می کند:

تبیینات ولی امر الله، در حوزه عملکرد خویش، همان مرجعیت و لازم الاجرا بودن را دارد که قوانین مشروعه بیت العدل عمومی که دارای حق و امتیاز منحصر به فرد حکم نمودن و اظهار نظر و تصمیم نهایی در مورد قوانین و احکامی که حضرت بهاء الله بالصراحه نازل فرموده اند، می باشد. هیچ یک از این دو مؤسسه نه می تواند به قلمرو مقدس و مقرر دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تجاوز نخواهد نمود. هیچ کدام در کم کردن اختیارات مخصوصه و مصرحه ای که از جانب حق به هر دو اعطا شده سعی نخواهد نمود.

اگرچه ولی امر الله به عنوان رئیس دائمی آن هیأت عظیم الشان تعیین شده است وی هرگز نمی تواند، حتی به طور موقت، حق منحصر به فرد تشریح را از آن خود کند. او نمی تواند تصمیم اکثریت اعضای همکار خود را لغو نماید ولی مجبور است در بررسی مجدد هر قانونی که وجداناً معتقد است مخالف با مفهوم و دور از روح بیانات منزله حضرت بهاء الله می باشد اصرار ورزد.<sup>۱۱</sup>

**آیا بیت العدل اعظم در غیاب ولی امر الله با خطر منحرف شدن از حوزه صحیح اختیارات خود و بالتبینه اشتباه کردن مواجه است؟**

سؤال فوق، با توجه به این نکته می تواند پیش بیاید که هیچ کس جز ولی امر الله حق گرفتن این تصمیم را ندارد که آیا مسئله ای قبلاً در نصوص مقدسه موجود بوده یا نه، و بنابراین، آیا وضع قانون در مورد آن مسئله در حوزه اختیار بیت العدل اعظم قرار دارد یا نه. بیت العدل اعظم به این سؤال پاسخ داده اند:

... باید سه چیز را به خاطر داشته باشیم: اول آنکه حضرت ولیّ امرالله در دوره سی و شش ساله ولایت خود، تعداد بیشماری از این تبیینات را تهیه و به بیانات حضرت عبدالبهاء و نفس حضرت بهاءالله ضمیمه فرموده‌اند. چنانچه قبلاً به اطلاع احبّاً رسیده است، بیت العدل اعظم قبل از قانون‌گذاری راجع به هر موضوعی، به مطالعه دقیق آثار مقدّسه و تبیینات مربوطه می‌پردازد. دوّم آنکه بیت العدل اعظم، که خود به دریافت هدایات الهی اطمینان داده شده است، به خوبی از غیاب ولیّ امرالله آگاهی داشته و در تمامی امور مربوط به تشریح، فقط در حوزه اختیار خود، حوزه‌ای که حضرت ولیّ امرالله با اطمینان آن را کاملاً مشخص توصیف نموده‌اند، عمل می‌نماید. سوّم آنکه نباید بیان مبارک حضرت ولیّ امرالله را در مورد این دو مؤسسه فراموش نماییم که می‌فرمایند: "هیچ یک از این دو مؤسسه نه می‌تواند و نه می‌خواهد که هرگز به قلمرو مقدّس و مقرّر دیگری تجاوز نماید." ۱۱۲

### آیا دو مؤسسه لاینفک ولایت امرالله و بیت العدل اعظم هنوز هم غیر قابل انفکاک هستند؟

حضرت ولیّ امرالله فرموده‌اند که نظم جهانی حضرت بهاءالله نمی‌تواند از مؤسسه ولایت امرالله و یا از مؤسسه بیت العدل اعظم "جدا" شود. این دو مؤسسه را "غیر قابل انفکاک" ۱۱۳ دانسته و می‌فرمایند که "به طور دائم و اساسی در هدف‌های خود متحد هستند." ۱۱۴

جدا از مؤسسه ولایت امرالله، نظم جهانی حضرت بهاءالله ناقص شده و به طور دائم از آن اصل وراثت که، بر طبق بیان حضرت عبدالبهاء، همواره مورد حمایت حکم الهی بوده محروم خواهد گشت. ۱۱۵

این بیان اغلب توسط ناقضین، مدعیان کاذب ولایت، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اشخاص اشتباهاً مقصود حضرت ولیّ امرالله را اختطاری در مورد عمل کرد نظم جهانی بدون یک ولیّ امر در قید حیات می‌انگارند. ولیکن از پاراگراف بعدی که حضرت ولیّ امرالله — در زمانی بیش از سی سال قبل از اینکه بیت العدل تشکیل بشود — مرقوم فرموده بودند دیده می‌شود که منظور مبارک صرفاً بیان همبستگی این دو مؤسسه لاینفک و اینکه هر دو جزئی از نظم حضرت بهاءالله می‌باشند، بوده است:

جدا از مؤسسه بیت العدل اعظم — مؤسسه‌ای که وجودش به همان اندازه ضروری می‌باشد — همان سیستمی که در الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء تصریح شده در عملکرد خود دچار

فلج شده و قادر به رفع کمبودی که مؤلف بزرگوار کتاب اقدس عمداً در قوانین و احکام اداری خود بر جای گذاشته نخواهد بود.<sup>۱۱۶</sup>

## قسمتی از نامه مورخ ۲۰ می ۲۰۰۷ دارالانشاء بیت العدل اعظم در مورد مصونیت بیت العدل اعظم

لطفاً مطالب ذیل را به... ابلاغ نمایید.

در باره تفاوت بین مراسلات ارض اقدس که برخی به امضای "بیت العدل اعظم" و برخی به امضای "از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم" صادر می‌شود، مختصراً متذکر می‌گردد که طرز تهیه این مراسلات بستگی به محتویات آن داشته و هر یک البته مراحل مختلف خود را طی می‌نمایند. در بعضی از موارد مکاتبات بیت العدل اعظم به امضای خود آن جمع صادر می‌شود ولی به طور کلی معهد اعلی بر اساس تصمیمات و خط مشی‌های مصوبه در مشاورات خود، با مؤسسات امری و افراد احباً از طریق دارالانشاء مکاتبه می‌فرمایند. بنابراین مکاتبات صادره به امضای دارالانشاء همیشه با اجازه بیت العدل اعظم الهی تهیه و ارسال می‌شود.

در نامه خود ذکر فرموده‌اید که بعضی از احبای عزیز این سؤال را دارند که "آیا تصمیمات بیت العدل اعظم الهی حتی در صورتی که اطلاعات غیر صحیح به آن مرجع الهی داده شود باز هم مصون از خطاست؟"

مصونیت بیت العدل اعظم مانند مصونیت حضرت ولی امرالله امری "موهوبی" بوده و با عصمت مظهر ظهور الهی که امری "ذاتی" است تفاوت دارد. همان طور که حضرت ولی امرالله "علیم" نبودند، بیت العدل اعظم نیز علیم نیست و لذا مایل است به حقایق و اطلاعات موجود در باره هر موضوعی که باید راجع به آن تصمیمی اتخاذ نماید دسترسی داشته باشد و در مواردی با متخصصین مربوطه مشورت نماید، و مانند حضرت ولی امرالله، می‌تواند تصمیمات خود را بر اساس اطلاعات و حقایق جدیدی که ممکن است بعداً معلوم شود و یا شرایط جدیدی که بوجود آید تغییر دهد. تعیین اینکه بیت العدل اعظم به چه اطلاعاتی برای اتخاذ تصمیمات خود احتیاج دارد بر عهده خود آن هیئت است.

در آثار مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء ذکری در باره ماهیت و میزان اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری بیت العدل اعظم نیامده است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"...همچه ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر و رأی خویش قراری دهند استغفرالله بیت العدل اعظم بالهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نمایند..."



و همچنین می فرمایند:

"...و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیتست و او را صیانت از خطا فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید..."

احبای عزیز اگر احساس می کنند اطلاعات جدیدی بدست آورده اند و یا شرایط تغییر یافته، البته می توانند نظریت العدل اعظم را در مورد تصمیمات آن هیئت جویا شوند، ولی باید مواظب باشند که مبادا دچار این وسوسه شوند که به بهانه اینکه تصمیم معهد اعلی ممکن است بر اساس اطلاعات ناکامل و یا نادرست مبتنی باشد، خود را از موهبت اطاعت کامل محروم نمایند.

با تقدیم تحیات  
دارالانشاء بیت العدل اعظم

## مراجع و یادداشتها

<sup>۱</sup> عین این بیان در اشراق هشتم از لوح اشراقات آمده با این تفاوت که در عبارت "لذا امور به وزارت بیت عدل راجع" کلمه "وزرا" حذف شده است - م

<sup>۲</sup> این چند سطر از صفحه ۲۳۰ "گلزار تعالیم بهائی" به نقل از جزوه منتشره بیت العدل اعظم نقل شد زیرا با رحیق مختوم تفاوت دارد - م

<sup>۳</sup> توضیح مترجم: در "مِن مکاتیب عبدالبهاء" هر دو کلمه "منصوص" به صورت "مخصوص" آمده است که احتمالاً اشتباه چاپی است.

<sup>۴</sup> "برخی بیانات مبارکه که در مجموعه فوق نیامده است:

۱-۱ محفل روحانی نیز به اکثریت آراء انتخاب شود و اما تجدید انتخاب و تعیین مدّت، راجع به بیت عدل عمومی است که جمیع بهائیان عالم انتخاب کنند، زیرا آنچه نصّ قاطع نه، بیت عدل عمومی قرار در آن خواهند داد. حال، چون تشکیل بیت العدل عمومی میسر نه، قرار شد که محفل روحانی آمریکا را در مدّت هر پنج سال تجدید انتخاب نمایند."

۱-۲ "این را بدان که آئین یزدانی بر دو قسم است: قسمی تعلق به آب و گل دارد و قسم دیگر تعلق به جهان جان و دل. اساس آئین روحانی لم يتغير ولم يتبدل است؛ از آغاز ایجاد تا یوم میعاد و تا ابدالآباد بر یک منوال بوده و هست... و قسمی از آئین تعلق به جسم دارد، آن به مقتضای هر زمانی و هر موسمی و هر درجه از سنّ، تبدیل و تغییر یابد و در این کور عظیم و دور جدید، تفرعات احکام جسمانی، اکثر به بیت عدل راجع چه که این کور را امتداد عظیم است و این دور را فسحت و وسعت و استمرار سرمدی ابدی؛ و چون تبدل و تغیر از خصائص امکان و لزوم ذاتی این جهان است، لهذا احکام جزئیة جسمانی به اقتضای وقت و حال، تعیین و ترتیب خواهد یافت، اما اُس اساس آئین یزدانی را تغییر و تبدیلی نبوده و نیست. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۴۵۵)

<sup>۵</sup> مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۵۰۱ (لوح مبارک خطاب به حضرت علی قبل اکبر)

<sup>۶</sup> یعنی محافل ملیّه

<sup>۷</sup> ایام تسعه، ص ۴۷۰

<sup>۸</sup> رحیق مختوم، جلد ثانی، ص ۹۷۷

<sup>۹</sup> الواح مبارکه وصایا، ایام تسعه، ص ۴۷۷

<sup>۱۰</sup> دور بهائی، ص ۹۳

<sup>۱۱</sup> نظم جهانی بهائی، ص ۳۱

<sup>۱۲</sup> نظم جهانی بهائی، ص ۳۳

<sup>۱۳</sup> الواح مبارکه وصایا، ایام تسعه، ص ۳۷۱

<sup>۱۴</sup> نظم جهانی بهائی، ص ۱۳

<sup>۱۵</sup> توضیح مترجم: اشاره معهد اعلی به پیام ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷ حضرات ایادی امرالله، که در طی آن اعلام فرمودند، "...در صبح یوم بعد یعنی نوزدهم نوامبر نه نفر از ایادی امرالله منتخب از ایادی امرالله مقیم ارض اقدس و چند قاره از قارات شرق و

غرب در معیت حضرت امة البهاء روحیه خانم مهرهای صندوق آهنین و میز تحریر حضرت ولیّ محبوب امرالله را برداشت و محتویات ثمینه آنها را به کمال دقت رسیدگی کردند و سپس این عده به سایر ایادی مجتمعه در روضه مبارکه در بهجی ملحق گردیده و متفقاً تصدیق نمودند که حضرت شوقی افندی وصیت نامه‌ای از خود به جای نگذاشته‌اند و همچنین تصدیق نمودند که حضرت ولیّ امرالله اولادی از خود باقی نگذاشته‌اند؛ اغصان عموماً یا فوت نموده‌اند و یا به علت بی وفایی و عدم اعتقاد به الواح و صایای حضرت مولی الوری و ابراز کینه و عداوت نسبت به شخصی که به عنوان اولین ولیّ امرالله در آن سند مقدّس تعیین و تسمیه گردیده، از طرف حضرت ولیّ امرالله ناقضین عهد و میثاق معرفی شده‌اند. اولین اثر درک این حقیقت که تعیین جانشین برای حضرت شوقی افندی مقدور نبوده است ایادی امرالله را به ورطه ناامیدی افکند..."

<sup>۱۶</sup> دور بهائی، ص ۸۵

<sup>۱۷</sup> دور بهائی، ص ۸۳

<sup>۱۸</sup> دور بهائی، ص ۸۲

<sup>۱۹</sup> همان، ص ۸۵

<sup>۲۰</sup> نقل از مقدمه کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، ص ۱۲

<sup>۲۱</sup> گلزار تعالیم بهائی، ص ۲۳۱ به نقل از جزوه منتشره بیت العدل اعظم

<sup>۲۲</sup> رحیق مختوم، ج ۱، ص ۳۰۲

<sup>۲۳</sup> مقدمه کتاب اقدس، صص ۱۳-۱۲/رحیق مختوم، ج ۱، ص ۳۰۲

<sup>۲۴</sup> دور بهائی، ص ۸۲

<sup>۲۵</sup> همان، ص ۸۱

<sup>۲۶</sup> توضیح مترجم: عبارت "در سراسر جهان" در متن اصلی انگلیسی موجود است اما در ترجمه فارسی مفقود شده است.

<sup>۲۷</sup> نظم جهانی بهائی، ص ۳۲

<sup>۲۸</sup> توضیح مترجم: حضرت ولیّ امرالله می فرمایند: "در خصوص اظهار عقیده و نظریات شخصی در مورد امور تبلیغی رأی مبارک حضرت ولیّ امرالله بر آنست مادامی که شخص صریحاً بگوید که آنچه اظهار می دارد نظریات خصوصی اوست نباید آزادی او را در اظهار عقیده شخصی محدود نمود. در حقیقت این قبیل توضیحات اغلب مفید واقع می شود و بدان وسیله بهتر می توان به تعالیم الهی پی برد. خداون به انسان قوه عاقله عطا فرموده که از آن استفاده شود نه آنکه عاطل و باطل ماند.

معذک مقصد آن نیست که آیات منزله واجد مرجعیت مطلقه نمی باشد بلکه باید حتی المقدور کوشید تا خود را به آن میزان اعظم نزدیک ساخت و در موقع توضیح و تبیین مطالب با استشهاد از بیانات مبارکه علاقمندی خویش را نسبت به آیات الهی نشان داد. انکار مرجعیت آیات منزله کفری است صریح و جلوگیری کامل از اظهار عقیده شخصی در باره آیات مبارکه امری است قبیح. باید سعی کرد میان این دو حالت افراطی حد اعتدال را رعایت نمود" (نظامات بهائی، بهائی پروسیجر)، ترجمه لجنه ملی ترجمه آثار امری، نشر لجنه ملی نشر آثار امری، بدون تاریخ طبع، صفحات ۳۳-۳۲)

<sup>۲۹</sup> ترجمه

<sup>۳۰</sup> ایام تسعه، ص ۴۷۷

<sup>۳۱</sup> ترجمه - در توفیق "آمریکا و صلح اعظم"، The World Order of Baha'u'llah، ص ۸۹

<sup>۳۲</sup> ترجمه - در توفیق "آمریکا و صلح اعظم"، The World Order of Baha'u'llah، ص ۸۹

<sup>۳۳</sup> نظم جهانی بهائی، ص ۱۱

<sup>۳۴</sup> قرن بدیع، طبع کانادا، ص ۴۲۷ / مقدمه کتاب اقدس، ص ۲۴

<sup>۳۵</sup> دور بهائی، ص ۹۲

<sup>۳۶</sup> توضیح مترجم: اشاره معهد اعلی به دستخط آن هیأت نورا به تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۶۳ خطاب به "محافل روحانیّه ملیّه در شرق و غرب عالم بهائی شید الله ارکانهم" است که در آن چنین می فرمایند، "یاران محبوب این هیأت متن قرار ذیل را به اطلاع آن امناء امر رحمان می رساند: بیت العدل اعظم متوجهاً مبتهلاً بعد از غور و تمعن دقیق در نصوص مقدسه مبارکه راجع به تعیین وصی حضرت شوقی افندی ربّانی ولیّ امر الله و بعد از مشاورات مفصل و همچنین ملاحظه آراء حضرات ایادی امر الله مقیم ارض اقدس به این نتیجه رسید که طریق تعیین ولیّ ثانی امر بهائی وصی حضرت شوقی افندی ربّانی بکلی مسدود و امکان تشریح قوانینی که تعیین من هو بعده را میسر سازد بالمره مفقود است. این قرار را به جمیع یاران ابلاغ نمایند. بیت العدل اعظم (ارکان نظم بدیع، چاپ دوم، ص ۸۳) در دستخط اکتبر ۱۹۶۳ خطاب به عالم بهائی نیز آمده است: "بیت العدل اعظم متوجهاً الی الله پس از مشاورات دقیقه چنانکه قبلاً بیاران ابلاغ گردید به این نتیجه رسید که طریق تشریح قوانینی جهت انتخاب ولیّ ثانی امر بهائی و وصی شوقی افندی ربّانی ولیّ امر الله بالمره مسدود است." (همان، ص ۸۴)

<sup>۳۷</sup> توضیح مترجم: بیت العدل اعظم در دستخط مورخ ۲۴ جون ۱۹۶۸ خطاب به جوامع بهائی عالم می فرمایند: "بعد از صعود هیکل مبارک بر عهده بیت العدل اعظم قرار گرفت که با توجه به اصول نظم اداری طریقی اتخاذ کنند تا دو وظیفه اساسی مؤسسه ایادی امر الله یعنی صیانت و تبلیغ امر الله در طول زمان آینده نیز استمرار یابد... حدودی که هدف مزبور می تواند تحقق یابد به وسیله نکات ذیل روشن می گردد: ۱- بیت العدل اعظم برای انتصاب افرادی دیگر به سمت ایادی امر الله طریقی نمی یابد..." (ارکان نظم بدیع، ص ۱۲۳)

<sup>۳۸</sup> لوح لسان حضور، گنجینه حدود و احکام، ص ۱۰۷

<sup>۳۹</sup> الواح وصای ایام تسعه، ص ۴۷۱

<sup>۴۰</sup> ترجمه بیان مزبور در صفحه ۸۶ دور بهائی درج است - م

<sup>۴۱</sup> دور بهائی، ص ۸۳

<sup>۴۲</sup> ایام تسعه، ص ۴۷۰

<sup>۴۳</sup> نظم جهانی بهائی، ص ۲۵

<sup>۴۴</sup> دور بهائی، ص ۸۵

<sup>۴۵</sup> دور بهائی، صص ۸۵-۸۶

<sup>۴۶</sup> الواح وصایا، ایام تسعه، ص ۴۶۷

<sup>۴۷</sup> نظم جهانی بهائی، ص ۱۱-۱۲

<sup>۴۸</sup> دور بهائی، ص ۸۶

<sup>۴۹</sup> کتاب اقدس، بند ۴۲

<sup>۵۰</sup> دور بهائی، ص ۲۵

<sup>۵۱</sup> ترجمه - مندرج در ص ۵۹۸ جلد سوم Tablets of 'Abdu'l-Baha

<sup>۵۲</sup> ترجمه

- ۵۳ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، ص ۲۰۵
- ۵۴ دور بهائی، ص ۹۹
- ۵۵ نظم جهانی بهائی، ص ۳۲
- ۵۶ بند ۱۲۱
- ۵۷ ایام تسعه، ص ۴۷۷
- ۵۸ ایام تسعه، ص ۴۸۴
- ۵۹ ترجمه. انوار هدایت، شماره ۵۹۸
- ۶۰ ترجمه‌ای از توفیق مبارک حضرت ولی‌امرالله، ۲۱ مارچ ۱۹۳۰
- ۶۱ ترجمه‌ای از توفیق مبارک حضرت ولی‌امرالله، ۸ فوریه ۱۹۳۴
- ۶۲ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء، صفحه ۱۱
- ۶۳ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء، صفحه ۱۲
- ۶۴ ترجمه‌ای از دستخط مورخ ۹ مارچ ۱۹۸۷ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباب
- ۶۵ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء، صفحه ۱۱-۱۲
- ۶۶ قرن بدیع، صفحه ۶۶۶
- ۶۷ ترجمه‌ای از توفیق مبارک حضرت ولی‌امرالله، ۸ فوریه ۱۹۳۴
- ۶۸ همان
- ۶۹ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء، صفحه ۱۳
- ۷۰ ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۳۴ از طرف حضرت ولی‌امرالله به یکی از احباب
- ۷۱ ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۷ می ۱۹۶۶ بیت العدل اعظم
- ۷۲ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء، صفحه ۱۳
- ۷۳ مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۳، صفحه ۵۰۰
- ۷۴ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء، صفحه ۱۳
- ۷۵ ترجمه‌ای از دستخط مورخ ۲۷ می ۱۹۶۶ بیت العدل اعظم
- ۷۶ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء، صفحه ۱۳
- ۷۷ همان
- ۷۸ همان
- ۷۹ ترجمه‌ای از نامه مورخ ۹ مارچ ۱۹۶۵ بیت العدل اعظم
- ۸۰ ترجمه‌ای از پیام مورخ ۶ اکتبر ۱۹۶۳ خطاب به محافل روحانی ملی
- ۸۱ ترجمه‌ای از نامه مورخ ۷ دسامبر ۱۹۶۹ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباب
- ۸۲ کتاب اقدس، بند ۴۲، صفحات ۴۱-۴۲
- ۸۳ کتاب اقدس، بند ۶۶، صفحه ۱۵۲
- ۸۴ همان

- ۸۵ مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده ، صفحه ۳۷
- ۸۶ همان ، صفحه ۱۴
- ۸۷ همان
- ۸۸ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء ، صفحه ۱۶-۱۵
- ۸۹ همان ، صفحه ۲۱
- ۹۰ همان
- ۹۱ همان ، صفحه ۲۸
- ۹۲ ترجمه‌ای از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله ، ۸ فوریه ۱۹۳۴
- ۹۳ مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده ، صفحه ۳۷
- ۹۴ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء ، صفحه ۱۲
- ۹۵ همان ، صفحه ۲۱
- ۹۶ ریحق مختوم ، جلد اول ، ۱۹۷۳ ، صفحه ۳۷۱
- ۹۷ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ، جلد ۳ ، صفحه ۵۰۱
- ۹۸ قانون اساسی بیت العدل اعظم ، صفحه ۲-۱
- ۹۹ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء ، صفحه ۲۱
- ۱۰۰ ریحق مختوم ، جلد اول ، ۱۹۷۳ ، صفحه ۳۷۱
- ۱۰۱ همان ، صفحه ۳۷۲
- ۱۰۲ الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء ، صفحه ۲۱
- ۱۰۳ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ، جلد ۱ ، شماره ۱۸۷
- ۱۰۴ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ، جلد ۳ ، صفحه ۵۰۱
- ۱۰۵ ترجمه‌ای از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله ، ۹ آپریل ۱۹۲۳
- ۱۰۶ مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده ، صفحه ۳۷
- ۱۰۷ قانون اساسی بیت العدل اعظم ، صفحات ۴-۳
- ۱۰۸ ترجمه‌ای از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۱ ، خطاب به یکی از محافل ملی
- ۱۰۹ مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده ، صفحه ۷۶
- ۱۱۰ ترجمه‌ای از توفیق حضرت ولی امرالله مورخ خطاب به احبای شرق و غرب ، ۱۹۲۴
- ۱۱۱ ترجمه‌ای از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله ، ۸ فوریه ۱۹۳۴
- ۱۱۲ ترجمه‌ای از دستخط بیت العدل اعظم ، ۲۷ می ۱۹۶۶
- ۱۱۳ ترجمه‌ای از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله خطاب به احبای امریکا ، ۱۹۵۷-۱۹۴۷
- ۱۱۴ ترجمه‌ای از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله ، ۸ فوریه ۱۹۳۴
- ۱۱۵ همان
- ۱۱۶ همان